

دلائل شایعه استعفا
محمد عطریان فرعقب نشینی اسرائیل
تهدید ایران و تماس ترامپ با نتانیاوخاموشی شاعر گلپونه‌ها
هما میرافشار درگذشتاعتراض کنگوری‌ها
اعتراض به شورای عالی انقلاب فرهنگی

رسایی؛ پسر نوح نظام

سیدحسین مرعشی:

طرح ادعای تحمیل آتش بس در جنگ ۱۲ روزه
به رهبری شهید، توهین به ایشان است

یادداشت روز

محدودیت مأموریت انسانی

بررسی چالش‌های حقوقی

تعطیلی بیمارستان هلال احمر ایران در امارات

صالح نقره‌کار

حقوقدان



رفتار اخیر دولت امارات متحده عربی را می‌توان از دو منظر سیاسی و حقوقی مورد بررسی قرار داد؛ دو منظری که هر کدام ابعاد متفاوتی از این مسئله را آشکار می‌کنند و نشان می‌دهند، چرا این اقدام با انتقادهای جدی روبه‌رو شده است. از منظر سیاسی، آنچه در جریان جنگ تحمیلی اخیر رخ داد، پرسش‌های مهمی را درباره جایگاه و نقش برخی دولت‌های منطقه در حفظ ثبات و امنیت خلیج فارس مطرح کرد. دولت امارات در شرایطی که انتظار می‌رفت به‌عنوان یک همسایه مسلمان و عضو جامعه کشورهای منطقه، رویکردی مبتنی بر حسن همجواری و بی‌طرفی اتخاذ کند، در عمل در مسیری قرار گرفت که از نگاه بسیاری از ناظران به‌نفع اسرائیل و آمریکا و در تقابلی با منافع و امنیت مردم ایران بود. فراهم شدن امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های سرزمینی، هوایی و زیرساختی این کشور برای اقداماتی که علیه ایران صورت گرفت اقدامی است که نه تنها با اصول همجواری سازگار نیست بلکه می‌تواند به تشدید بی‌ثباتی در منطقه نیز منجر شود. در جریان این حملات، زیرساخت‌های مختلف ایران از مراکز خدماتی و درمانی گرفته تا مراکز آموزشی و پژوهشی آسیب دیدند و شماری از شهروندان غیرنظامی نیز متحمل خسارت شدند. طبیعی است که افکار عمومی ایران چنین رفتاری را مغایر با روابط دوستانه میان کشورهای همسایه تلقی کند. در واقع هیچ کشوری نمی‌تواند، انتظار داشته باشد که از یک‌سو امکانات و ظرفیت‌های خود را در اختیار اقدامات خصمانه علیه کشور همسایه قرار دهد و از سوی دیگر، نسبت به پیامدهای سیاسی و امنیتی چنین تصمیمی مصون بماند. براساس اصول شناخته‌شده حقوق بین‌الملل، هر کشوری از حق دفاع مشروع برخوردار است و ایران نیز بارها تأکید کرده که اقدامات دفاعی خود را در چارچوب حقوق بین‌الملل و برای حفاظت از امنیت ملی و شهروندانش انجام داده است. از این‌رو اعتراض مقام‌های اماراتی به تبعات ناشی از سیاست‌هایی که خود در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند از منظر بسیاری از تحلیلگران قابل تأمل است. اما موضوع از منظر حقوقی، ابعاد مهم‌تری نیز پیدا می‌کند. یکی از نمونه‌های قابل توجه در این زمینه، مسئله مراکز درمانی و بیمارستان‌هایی است که توسط هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور تأسیس و اداره شده‌اند. فلسفه شکل‌گیری این مراکز از ابتدا ماهیتی بشردوستانه داشته و هدف آن ارائه خدمات درمانی و پزشکی به تمامی افراد نیازمند بدون توجه به ملیت، قومیت یا گرایش سیاسی آنان بوده است. در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مراکز درمانی، بیمارستان‌ها و نهادهای امدادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. کنوانسیون‌های بین‌المللی و پروتکل‌های مربوط به مخاصمات مسلحانه، حمایت از این مراکز را یک اصل بنیادین می‌دانند و دولت‌ها را موظف می‌کنند از هرگونه اقدامی که فعالیت آنها را مختل کند، خودداری کنند. همچنین نهادهایی مانند هلال احمر و صلیب سرخ به دلیل مأموریت انسانی خود از حمایت گسترده حقوقی در سطح بین‌المللی برخوردار هستند. به همین دلیل، هر اقدامی که منجر به محدود شدن فعالیت مراکز درمانی و خدمات سلامت شود نه فقط یک موضوع سیاسی بلکه مسئله‌ای مرتبط با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. انتظار می‌رود دولت امارات نیز با درک این ملاحظات از سیاسی کردن فعالیت‌های بشردوستانه پرهیز کرده و زمینه بازگشت کامل خدمات درمانی و اجتماعی به روال عادی را فراهم کند. حفظ سلامت انسان‌ها و حمایت از حق حیات، موضوعی فراتر از اختلافات سیاسی است و نباید قربانی رقابت‌ها و تنش‌های میان دولت‌ها شود.

توافق
میلیارد
دلاری

قطر به ایران تعهد داده که ۱۲ میلیارد دلار درخواستی ایران از آمریکا را پرداخت کند. درخواست ایران این است که بلافاصله پس از امضای توافق یا همزمان با توافق، این امر صورت گیرد بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین گره‌های تفاهم میان ایران و آمریکا باز می‌شود و هر دو کشور به نقطه نهایی نزدیک‌تر می‌شوند



دیدگاه: گفتار روز

دلایل شایعه استعفا

عطریان فر: بزرگ‌ترین تهدید دوران پسا جنگ از دست رفتن اجماع ملی است



محمد عطریان‌فر، معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران و عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت با رد شایعات مربوط به استعفا مسعود پزشکیان، ریشه این فضا سازی‌ها را رقابت‌های سیاسی و فشار بر دولت دانست و هشدار داد که بزرگ‌ترین خطر دوران پسا جنگ، از دست رفتن اجماع ملی برای بازسازی کشور است.

عطریان‌فر در گفت‌وگو با ایلنا می‌گوید: «موضوع استعفا رئیس‌جمهور، خبر کذب بود و شائبه آن حتی تا به امروز واقعیت خارجی نداشته و هیچگاه در گذشته هم این خبر معجول، محل اعتنا نبوده است». او معتقد است، مخالفان دولت اگر شناخت واقع‌بینانه‌ای از شخصیت مسعود پزشکیان داشتند هرگز چنین گزاره‌ای را دستاویز حملات سیاسی خود قرار نمی‌دادند. به گفته او، رئیس‌جمهور در طول دوران مسئولیت خود با رویکردی جهادی و فداکارانه در میدان حضور داشته و از مواجهه با بحران‌ها و فشارهای سیاسی هراسی ندارد.

عطریان‌فر در عین حال تأکید می‌کند که تقد عملکرد دولت در نظام‌های سیاسی، امری طبیعی است اما طرح مکرر موضوع استعفا در شرایطی که کشور با چالش‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی روبه‌روست، کمکی به حل مسائل نمی‌کند. به باور عطریان‌فر، ثبات مدیریتی یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ آرامش روانی جامعه و افزایش توان کشور در مواجهه با تهدیدهاست.

او درباره چرایی تکرار چنین مباحثی در شرایط بحرانی نیز معتقد است که در ایران، رقابت‌های جناحی سبب می‌شود برخی گروه‌ها گاه از شرایط حساس برای پیگیری اهداف سیاسی خود استفاده کنند. عطریان‌فر در این باره می‌گوید: «طرح مکرر موضوع استعفا از سوی رقیب معمولاً به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار سیاسی یا افزایش هزینه‌های دولت به‌کار می‌آید. با این حال منافع ملی اقتضا می‌کند، رقابت‌های سیاسی در دوره‌های حساس به‌گونه‌ای مدیریت شود که انسجام داخلی آسیب نبیند».

به اعتقاد او، تغییرات ناگهانی در رأس قوه مجریه در شرایط بحرانی معمولاً نه‌تنها راهگشا نیست بلکه سطح نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی را هم افزایش می‌دهد. او ریشه تکرار بحث استعفا را در سه عامل می‌داند: نارضایتی بخشی از جامعه از وضعیت اقتصادی، رقابت‌های سیاسی میان جریان‌های مختلف و تصور اشتباه برخی گروه‌ها مبنی بر اینکه با تغییر افراد، می‌توان مشکلات ساختاری را حل کرد. از نگاه عطریان‌فر، مسائلی پیچیده کشور بیش از هر چیز به اصلاح سیاست‌ها و ارتقای کیفیت حکمرانی نیاز دارد.

معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران در ادامه به الزامات مدیریت کشور در دوران جنگ و پسا جنگ می‌پردازد و می‌گوید که دوران جنگ و دوران پسا جنگ، دو منطبق متفاوت دارند. در زمان جنگ، اولویت اصلی حفظ امنیت، همگرایی ملی و تأمین نیازهای فوری جامعه است اما «دوران جنگ، زمان حفظ کشور و دوران پسا جنگ، زمان ساختن آینده کشور است». به باور او، در این مرحله دولت‌ها باید احیای اقتصاد، جذب سرمایه، توسعه زیرساخت‌ها، تقویت نهادهای مدنی و افزایش مشارکت اجتماعی را در دستور کار قرار دهند. او همچنین تأکید می‌کند که بازسازی اقتصادی و ترمیم سرمایه اجتماعی دو مسیر جدا از هم نیستند و بدون اعتماد عمومی هیچ برنامه اقتصادی پایداری شکل نخواهد گرفت.

با این حال مهم‌ترین هشدار عطریان‌فر، متوجه دوران پسا جنگ است. او معتقد است، کشورهایی که از بحران‌های بزرگ عبور می‌کنند معمولاً با سه چالش عمده شامل مشکلات اقتصادی، شکاف‌های اجتماعی و رقابت‌های سیاسی فرسایشی مواجه می‌شوند. خطر اصلی زمانی پدیدار می‌شود که این سه عامل به یکدیگر گره بخورند و چرخه‌ای از نارضایتی و تنش ایجاد کنند. به همین دلیل او تأکید دارد: «مهم‌ترین تهدید دوران پسا جنگ، از دست رفتن اجماع ملی برای بازسازی کشور است».

عطریان‌فر در پایان با اشاره به نخستین ساعات آغاز هر جنگ یا بحران بزرگ، آن را لحظه آزمون همبستگی ملی توصیف می‌کند؛ لحظه‌ای که اختلافات سیاسی رنگ می‌بازد و حفظ امنیت، سرزمین و آینده کشور به دغدغه مشترک همه شهروندان تبدیل می‌شود. از نگاه او، عبور موفق از دوران پسا جنگ نیز تنها زمانی ممکن خواهد بود که همین روحیه همبستگی و عقلانیت جمعی حفظ شود و رقابت‌های سیاسی جایگزین منافع ملی نشود.

رسایی؛ پسر نوح نظام

سیدحسین مرعشی: طرح ادعای تحمیل آتش بس در جنگ ۱۲ روزه به رهبری شهید، توهین به ایشان است

همه آحاد ملت است و یک رسانه ملی محسوب می‌شود نباید تا این اندازه در اختیار یک اقلیت باشد. امیدواریم ان‌شاء‌الله در دوره رهبری جدید این مسئله حل شود».

مرعشی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به ادعاهایی پرداخت که این



روزها علیه مسعود پزشکیان مطرح می‌شود مبنی بر اینکه او در جریان جنگ ۱۲ روزه، آتش بس را به رهبری شهید تحمیل کرده است. مرعشی در این باره گفت: «به هر حال رهبر شهید ما خودشان نیز بر مسائل مسلط بودند و این نوع نگاه به موضوع، توهین به رهبر شهید است و تقد آقای پزشکیان محسوب نمی‌شود». او در ادامه افزود: «اولاً همه عالم می‌دانند

گروه سیاسی: سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، در گفت‌وگو با ایلنا به اظهارات برخی چهره‌های تندرو و اکتش نشان داد و ضمن انتقاد از مواضع آنها درباره مذاکرات و نحوه پایان جنگ، تأکید کرد که طرح ادعای تحمیل آتش بس به رهبری شهید بیش از آنکه متوجه مسعود پزشکیان باشد، نوعی توهین به جایگاه رهبری است.

مرعشی در پاسخ به پرسشی درباره عبور برخی تندروها از رهبری و ادیبانی که این روزها علیه مذاکرات، دولت و رهبری جدید به‌کار گرفته می‌شود، با اشاره به سخنان اخیر حمید رسایی، گفت: «به‌منظر من خود این آقا مقصودش این بود که خودش پسر نوح است. یعنی به‌منظر می‌آید، خداوند این سخن را بر قلم ایشان جاری کرده و خیلی بارز و مشخص است که شخص ایشان برای نظام جمهوری اسلامی عین پسر نوح است. البته این مسائل حاشیه‌هایی است که رهبری هم گفتند از پرداختن به آن پرهیز کنید». او در ادامه با اشاره به مذاکرات در حال انجام برای پایان جنگ ارزیابی مثبتی از عملکرد دستگاه تصمیم‌گیری کشور ارائه کرد و گفت: «مسئولان جمهوری اسلامی به شایستگی این موضوع را دنبال می‌کنند. چارچوب‌های لازم را رعایت کرده‌اند و می‌کنند. کاملاً بر منافع ملی ایران متمرکز هستند و با حداکثر منافع می‌توانند برای ایران رقم بخورد این توافق را به نتیجه خواهند رساند».

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران همچنین در پاسخ به این پرسش که چرا جریان مخالف مذاکرات با وجود در اختیار داشتن تریبون‌های گسترده همچنان بر مخالفت خود اصرار دارد، گفت: «ما اساساً با تریبون داشتن اقلیت و مخالفان گفت‌وگوها مشکلی نداریم. آنچه ممکن است محل نقد باشد این است که صدواوسیمیا که متعلق به

پارلمان

مخالفت با افزایش اختیارات استانداران

قالیباف در نامه‌ای به پزشکیان، مصوبه تفویض اختیارات دولت به استانداران را مغایر با قانون تشخیص داد



عاطفه شمس

گروه سیاسی

محمدباقر قالیباف در نامه‌ای به مسعود پزشکیان، مصوبه دولت درباره واگذاری تمام وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور و هیأت وزیران به استانداران و معاونان رئیس‌جمهور را مغایر قانون دانست و خواستار اصلاح آن شد. رئیس‌مجلس تأکید کرده که براساس قانون، تنها برخی تصمیمات اجرایی رئیس‌جمهور و وزرا قابل تفویض است و این اختیار شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های هیأت دولت نمی‌شود. بر مبنای این نامه، اگرچه مجلس، ایراد خود را متوجه جنبه‌های حقوقی مصوبه می‌داند اما در پس این مناقشه، بحث بزرگ‌تری نیز جریان دارد؛ بحثی که میان دو رویکرد تمرکزگرایی و واگذاری بخشی از تصمیم‌گیری‌ها به سطوح محلی در نوسان است و این پرسش را پیش می‌کشد که آیا ایران برای افزایش کارآمدی به تمرکززدایی نیاز دارد یا گسترش اختیارات محلی می‌تواند به تضعیف انسجام تصمیم‌گیری در سطح ملی منجر شود؟

ماجرا به اسفندماه سال ۱۴۰۳ بازمی‌گردد؛ زمانی که هیأت وزیران به پیشنهاد رئیس‌جمهور و با امضای معاون اول، مصوبه‌ای را ابلاغ کرد که از سوی بسیاری از ناظران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت چهاردهم در حوزه اصلاح ساختار اداری توصیف شد. دولت با استناد به اصل ۱۲۷ قانون اساسی، وزرا، معاونان رئیس‌جمهور و استانداران را به‌عنوان «نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور» منصوب کرد تا بخشی از اختیارات اجرایی دولت را در سطح ملی و استانی اعمال کنند. هدف اعلامی دولت نیز روشن بود؛ کاهش تمرکز اداری، کوتاه کردن مسیر تصمیم‌گیری، افزایش انعطاف دستگاه‌های اجرایی و تسریع در ارائه خدمات به مردم و فعالان اقتصادی در شرایطی که کشور با چالش‌های متعددی روبه‌روست. براساس این مصوبه، تصمیمات نمایندگان و ویژه در حوزه اختیارات واگذار شده در حکم تصمیمات رئیس‌جمهور و هیأت وزیران تلقی می‌شد و لازم‌الاجرا بود. البته دولت هم‌زمان تأکید کرده بود که اختیارات موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی، یعنی تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های کلان همچنان در اختیار هیأت وزیران باقی می‌ماند و قابل واگذاری نیست. با این حال دامنه اختیارات تفویض شده به‌تدریج گسترش یافت. پیش از آن نیز معاون حقوقی رئیس‌جمهور از واگذاری ۱۶ اختیار مهم دیگر به استانداران خبر داده بود؛ اختیاراتی که به‌ویژه در استان‌های مرزی شامل تسهیل تبادلات اقتصادی با کشورهای همسایه، جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد بازارچه‌های مرزی می‌شد.

ایراد مجلس کجاست؟

اما حالا رئیس‌مجلس معتقد است که دولت از حدود مقرر در اصل ۱۲۷ عبور کرده است. قالیباف در نامه اخیر خود تأکید کرده که

که آقای پزشکیان در تبعیت از رهبری، از همه رؤسای جمهور ارزشی که پیش از این بودند یا از افرادی که می‌خواستند رئیس‌جمهور شوند اما نشدند، مانند آقای جلیلی، جدی‌تر بوده و این‌گونه سخنان بیش از آنکه تقد آقای پزشکیان باشد، در واقع جسارت به رهبری شهید است».

مرعشی در پاسخ به این پرسش که مخالفان مذاکره چه راهکاری برای شرایط فعلی دارند، گفت: «به‌منظر من همراهی این عده با منویات نتانیاها قابل مطالعه است. چرا باید عده‌ای در ایران مشابه نتانیاها موضع‌گیری کنند؟ خواسته‌ای که اکنون اعلام می‌کنند همان خواسته نتانیاها است». او با اشاره به دیدگاه‌های برخی جریان‌های افراطی در اسرائیل افزود: «نتانیاها نیز تحت‌تأثیر تندروها در داخل اسرائیل و خاخام‌هایی قرار دارد که تصور می‌کنند اکنون آخرالزمان است و علاقه‌مند هستند، جنگ ادامه پیدا کند. آنها می‌خواهند، ایران نابود شود زیرا فکر می‌کنند این حوادث منتهی به ظهور خواهد شد». دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی در ادامه تأکید کرد: «ما در دوران غیبت امام عصر باید براساس تشخیص درست و مورد تأیید فقهای عظیم‌الشان کشور و در رأس آن ولی‌فقیه عمل کنیم. ما نمی‌توانیم خودمان را به برداشت‌های غیرواقعی و برداشت‌هایی که هنوز محقق نشده و اتفاقی که نیفتاده است، بسپاریم. آخرالزمانی که هنوز فرا نرسیده است، نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری ما باشد». او همچنین گفت: «این افراد باید خودشان بنشینند و فکر کنند که چرا با نتانیاها هم‌موضع شده‌اند. مسئولان امنیتی کشور باید ریشه‌های نفوذ را در میان آنها جست‌وجو کنند». مرعشی در پایان، در پاسخ به این پرسش که این افراد پشت‌شان به چه چیزی گرم است که هیچ‌گاه هم پاسخگو نیستند، پاسخ داد: «به جهل».

طبق قانون اساسی، تنها برخی تصمیمات اجرایی رئیس‌جمهور و وزرا قابل تفویض است و این اختیار نمی‌تواند به انتقال کلی صلاحیت‌های هیأت وزیران منجر شود. او پیش از این نیز در شهریور سال گذشته نسبت به مصوبه مشابهی هشدار داده و اعلام کرده بود که واگذاری تمامی اختیارات هیأت وزیران و رؤسای سازمان‌ها بدون تعیین دقیق موضوعات و حدود اختیارات با قوانین مربوط به وظایف و اختیارات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مغایرت دارد. در واقع ایراد اصلی مجلس، متوجه اصل تمرکززدایی نیست بلکه به دامنه و گستره اختیارات واگذار شده مربوط می‌شود. از نگاه مجلس میان واگذاری اختیار اجرایی و انتقال صلاحیت سیاستگذاری، تفاوتی اساسی وجود دارد. تصمیمات اجرایی می‌توانند در موارد مشخص به مدیران محلی سپرده شوند اما سیاستگذاری و تعیین قواعد کلان همچنان باید در سطح ملی و توسط دولت مرکزی انجام شود. با این حال دفاع دولت از این رویکرد نیز قابل تأمل است. دولت چهاردهم از آغاز فعالیت خود بر ضرورت شکستن تمرکز اداری در تهران تأکید کرده است. محمدجعفر قانپناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، بارها اعلام کرده که بسیاری از مشکلات کشور ناشی از تمرکز بیش از اندازه تصمیم‌گیری در پایتخت است. به اعتقاد او، استانداران به دلیل آشنایی نزدیک‌تر با مسائل هر منطقه می‌توانند، سریع‌تر و دقیق‌تر درباره مشکلات استان خود تصمیم بگیرند.

این استدلال بیره هم نیست. ایران کشوری پهناور با شرایط اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی بسیار متنوع است. مسائل استان سیستان و بلوچستان یا چالش‌های استان گیلان یا خوزستان تفاوت‌های اساسی دارد. در چنین شرایطی، تصمیم‌گیری متمرکز برای همه مناطق می‌تواند به کندی فرآیندها، افزایش بروکراسی و کاهش کارآمدی منجر شود. بسیاری از کارشناسان توسعه هم معتقدند، استانداران و مدیران محلی به دلیل شناخت نزدیک‌تر از ظرفیت‌ها و مشکلات منطقه، می‌توانند در اجرای سیاست‌ها عملکرد بهتری داشته باشند.

اختیار در برابر انسجام

اما مخالفان این روند هم استدلال‌های مهمی را مطرح می‌کنند. تجربه سال گذشته درباره تفویض برخی اختیارات مرتبط با واردات کالاها اساسی به استانداران مرزی نشان داد که تصمیمات محلی الزاماً به نتایج مطلوب منجر نمی‌شود. به‌طور مثال وقتی رئیس‌جمهور اختیارات واردات کالاها اساسی خارج از ضوابط را به استانداران مرزی داد، رئیس‌کل وقت بانک مرکزی این تصمیم را عامل به‌هم‌ریختگی اقتصاد کشور دانست.

برخی اقتصاددانان نیز معتقدند، بخشی از افزایش تقاضای ارز و آشفستگی بازار در آن دوره، نتیجه همین پراکندگی در تصمیم‌گیری بود. منتقدان می‌گویند، اقتصاد ایران در شرایطی قرار ندارد که بتوان سیاست‌های کلان اقتصادی را به شکل جزیرهای و منطقه‌ای مدیریت کرد. از نگاه آنان، اقتصاد ایران به دلیل وابستگی شدید بخش‌های مختلف به یکدیگر، نیازمند فرماندهی واحد است و تکرر مراکز تصمیم‌گیری می‌تواند، انسجام سیاسی را از بین ببرد. این نگرانی تنها به اقتصاد محدود نمی‌شود. در حوزه آب، محیط‌زیست و منابع طبیعی هم نگرانی‌های مشابهی وجود دارد. ممکن است استانداری برای حل مشکل کم‌آبی منطقه خود، پروژه انتقال آب یا احداث سد را در اولویت قرار دهد اما همان تصمیم در استان‌های پایین‌دست، بحران‌های جدیدی ایجاد کند. به همین دلیل بسیاری از موضوعات، ماهیتی فراتر از مرزهای استانی دارند و نیازمند نگاه ملی هستند. از منظر حقوقی هم موضوع مسئولیت‌پذیری مطرح است. اگر استانداران براساس اختیارات تفویض شده تصمیم بگیرند، در برابر پیامدهای آن چه کسی پاسخگو خواهد بود؟ از منظر حقوق عمومی تا زمانی که قانون به شکل دیگری اصلاح نشده، مسئولیت نهایی همچنان متوجه دولت و شخص رئیس‌جمهور است. به همین دلیل برخی حقوق‌دانان معتقدند، تفویض اختیار نباید به‌معنای تفویض مسئولیت تلقی شود و دولت موظف است در برابر عملکرد نمایندگان خود پاسخگو باقی بماند.

مرز تمرکززدایی و چندپارگی

در این میان شاید مهم‌ترین نکته تمایز میان تمرکززدایی و فدرالیسم باشد؛ دو مفهومی که گاه به اشتباه به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند. تمرکززدایی به‌معنای انتقال بخشی از اختیارات اجرایی و مدیریتی به سطوح محلی در چارچوب سیاست‌های ملی است اما فدرالیسم ساختاری متفاوت دارد و به واحدهای محلی اختیارات سیاسی، تقنینی و مالی مستقل اعطا می‌کند. ایران براساس قانون اساسی کشوری یکپارچه و متمرکز است و ساختار حقوقی آن با الگوی فدرال همخوانی ندارد. از این رو، تفویض اختیار تا جایی می‌تواند به اصلاح حکمرانی کمک کند که در خدمت افزایش کارآمدی، کاهش بروکراسی و بهبود اجرای سیاست‌های ملی باشد. اما اگر این روند به ایجاد مراکز متعدد سیاستگذاری، تعارض منافع منطقه‌ای و تضعیف اقتدار تصمیم‌گیری ملی منجر شود، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً تمرکززدایی نامید. بهترین راه‌حل شاید همان الگویی باشد که بسیاری از کارشناسان پیشنهاد می‌کنند؛ تمرکز در سیاستگذاری و تمرکززدایی در اجرا. الگویی که در آن دولت مرکزی، اهداف و قواعد کلان را تعیین می‌کند و مدیران محلی اختیار دارند آنها را متناسب با شرایط هر استان اجرا کنند. در چنین الگویی نه تمرکزگرایی افراطی، مانع کارآمدی می‌شود و نه واگذاری بی‌ضابطه اختیارات، انسجام ملی را تهدید می‌کند. از این منظر، نامه قالیباف به پزشکیان را می‌توان فراتر از یک تذکر حقوقی دانست. آینده این مناقشه هم احتمالاً در تعیین مرزهای دقیق این تفویض اختیار رقم خواهد خورد؛ مرزهایی که باید از یک‌سو به تمرکززدایی و افزایش بهره‌وری کمک کند و از سوی دیگر، انسجام تصمیم‌گیری در سطح ملی را حفظ کند.



نبرد فرسایشی تبدیل شود؛ جنگی که هزینه‌های آن برای تل‌آویو به مراتب بیشتر از دستاوردهای احتمالی خواهد بود. این تحلیل بر این فرض استوار است که حزب‌الله همچنان بخشی از توانمندی‌های نظامی خود را حفظ کرده و در صورت گسترش درگیری، قادر است جبهه‌های جدیدی را علیه اسرائیل فعال کند. در چنین شرایطی لبنان بار دیگر به نقطه تلاقی دو مسیر متضاد تبدیل شده است: از یکسو تلاش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از گسترش جنگ و از سوی دیگر محاسبات نظامی بازگرنی که می‌خواهند پیش از تثبیت هرگونه توافق سیاسی، واقعیت‌های جدیدی را در میدان نبرد ایجاد کنند. هشدار تخلیه نبطیه و تهدید ضاحیه را می‌توان بخشی از همین رقابت دانست؛ رقابتی که سرنوشت آن نه فقط در جنوب لبنان بلکه در میز مذاکرات میان تهران، واشنگتن و سایر بازیگران منطقه‌ای تعیین خواهد شد.

لبنان منجر شود. از نگاه بسیاری از ناظران، اسرائیل نگران آن است که پیش از دستیابی به اهداف راهبردی خود در لبنان، فضای سیاسی منطقه به سمت توافق و آرامش حرکت کند. هدف اعلامی اسرائیل از عملیات‌های اخیر، تضعیف و در نهایت خلع سلاح حزب‌الله عنوان شده است؛ هدفی که حتی برخی کارشناسان غربی نیز تحقق آن را از طریق ابزار نظامی بسیار دشوار می‌دانند. تل‌آویو و واشنگتن پس از ترور سیدحسن نصرالله و ضربه به زدن به بخشی از ساختار فرماندهی حزب‌الله، تصور می‌کردند این گروه وارد مرحله‌ای از ضعف راهبردی شده است. با این حال تحولات میدانی ماه‌های اخیر نشان داده که حزب‌الله همچنان توانایی حفظ ساختار عملیاتی خود و اجرای عملیات مؤثر را دارد. در همین زمینه عبداللاری عطوان، تحلیلگر سرشناس جهان عرب معتقد است، اسرائیل در لبنان با یک بن‌بست راهبردی مواجه شده است. به باور او، جنگ کنونی می‌تواند به یک

خاورمیانه

کنست در قدم اول منحل شد

نتانیاهاو به دنبال خریدن زمان

روزنامه «یدیعوت آحارانوت» نوشت: طرح انحلال کنست که حدود دو هفته پیش در مرحله مقدماتی به تصویب رسیده بود اکنون پس از تصویب در قرائت نخست برای بررسی‌های بیشتر به کمیسیون امور داخلی کنست بازگردانده می‌شود. براساس این گزارش، پس از بررسی در کمیسیون، این طرح باید در قرائت دوم و سوم نیز به تصویب برسد تا روند انحلال کنست، نهایی شود. همچنین در این مراحل، تاریخ برگزاری انتخابات جدید تعیین خواهد شد. طبق مفاد این طرح، بازه زمانی پیشنهادی برای برگزاری انتخابات زودهنگام بین هشتم سپتامبر (۱۷ شهریور) تا سیستم اکتبر (۲۸ مهر) اعلام شده است. اوفیر کاتس، رئیس ائتلاف حاکم از حزب لیکود، در نشست کمیسیون امور داخلی کنست درباره این طرح گفت که این کمیسیون در سریع‌ترین زمان ممکن احتمالاً در هفته جاری یا هفته آینده، تاریخ برگزاری انتخابات را مشخص خواهد کرد. در همین نشست، «دین لیونی» معاون مدیرکل کمیته مرکزی انتخابات اسرائیل نیز اعلام کرد که تاریخ انتخابات می‌تواند سه روز پس از ۹۰ روز پس از انحلال کنست تعیین شود. وی افزود: قانون زمان مشخصی را در این زمینه تعیین نکرده است اما اگر فاصله میان انحلال کنست و زمان برگزاری انتخابات کمتر از ۸۳ روز باشد، کمیته مرکزی انتخابات این موضوع را رسماً اعلام خواهد کرد. لیونی همچنین هشدار داد که در صورت تعیین انتخابات برای ۱۵ سپتامبر (۲۴ شهریور) که همزمان با فاصله میان سال نو یهودی و روز «یوم کیپور» (عید مذهبی یهودیان) است، به دلیل فشردگی زمان و تعطیلات، کمیته مرکزی انتخابات خواستار اصلاح قانون برای اختصاص یک روز اضافی به فرآیند اعلام نتایج خواهد شد. با این حال احزاب حریدی (یهودیان افراطی) نگرانند که همزمانی انتخابات با برخی مناسبت‌های دینی بر مشارکت رأی‌دهندگان سنتی آنها تأثیر منفی بگذارد؛ موضوعی که به یکی دیگر از محورهای چانه‌زنی میان احزاب تبدیل شده است. بر همین اساس، هم احزاب ائتلافی و هم احزاب اپوزیسیون خواهان برگزاری انتخابات در اوایل سپتامبر (شهریور) هستند اما نتانیاهاو تلاش می‌کند این زمان را تا اواخر اکتبر (مهرماه) همزمان با انتخابات آمریکا به تعویق بیندازد تا فرصت بیشتری برای مدیریت بحران‌های داخلی و سازماندهی حزب لیکود در اختیار داشته باشد.



پزشکی به ایران تحویل دهد، گفت: «مقامات آمریکایی بارها تکرار می‌کنند که در هیأت حاکمه قبلی آمریکا، میلیاردها دلار پول به ایران تحویل داده شد. بخشی قابل توجهی از این حرف‌ها دروغ است. آنچه ایران در قالب برجام تحویل گرفت، پول‌های بلوکه‌شده متعلق به مردم ایران بود و ما حقوق خود را گرفتیم و دنبال امتیاز گرفتن نیستیم. الان هم موضوع همین است. ما دنبال گرفتن حقوق مردم ایران هستیم که تضییع شده و یکی از آنها پول‌های ماست که در برخی بانک‌های خارجی مسدود شده است. اینکه این کار به چه نحو انجام شود و اینکه سازوکارهای آن را تدبیر کنیم که طرف مقابل مثل تجارب پیشین از ایفای تعهدات خود عدول نکند، در حال بررسی است و دوستان هم در بانک مرکزی و بخش دیپلماسی اقتصادی ما این موضوع را در دستورکار دارند».

محسن حاجی‌میرزایی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور در سفر به قم با مراجع تقلید و جمعی از علما و پژوهشگران حوزه علمیه با اشاره به روند مذاکرات گفت: «هدف اصلی ایران در مذاکرات، صادرات نفت، دسترسی به پول‌های بلوکه‌شده و ایجاد فرصت برای ساماندهی وضعیت اقتصادی کشور است. مقرر شده، آزادسازی منابع مالی ایران متناسب با پیشرفت مذاکرات انجام شود تا از بدعهدی احتمالی جلوگیری شود».

روند آزادسازی دارایی‌های ایران همواره با پیچیدگی‌ها و موانع متعددی همراه بوده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های گسترده ایالات متحده است که باعث شده، بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی و منابع ارزی ایران در بانک‌های خارجی مسدود شود.

دونالد ترامپ چندی پیش در نشست کابینه خطاب به خبرنگاران ادعا کرد در توافق با ایران، تحریم‌ها را لغو نمی‌کند و دارایی‌های بلوکه‌شده ایران را نیز آزاد نخواهد کرد و انجام این اقدامات را منوط به تغییر رفتار ایران دانست.

ترامپ که از منتقدان سرسخت توافق هسته‌ای است و در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد و آن را بدترین توافق تاریخ نامید در گفت‌وگویی با شبکه ای‌بی‌سی گفت، فکر می‌کند طی هفته آینده با ایران برای تمدید آتش‌بس و بازگشایی تنگه هرمز به توافق برسد. او افزود: یک توافق صلح با ایران حتی می‌تواند بهتر از یک پیروزی نظامی باشد. ادعاهای ترامپ در حالی مطرح می‌شود که او بارها وعده‌های زیاد بدون حاصل داده و صحبت‌های ضد و نقیض بی‌شماری کرده است. او که بارها از اوپاما به خاطر دادن پول نقد به ایران که انتقاد کرده حالا در برابر موضع قاطع ایران قرار داد. بر اساس اظهارات آجرلو اگر طرف حساب ایران در موضوع دارایی‌های بلوکه‌شده قطر باشد و آمریکا در آن نقشی مستقیم نداشته باشد، می‌تواند یکی از گرهای مهم تفاهم را باز کند. پرداخت این مبلغ به ایران، می‌تواند اولین گام مثبت برای اعتمادسازی برای سایر موضوعات مهم از جمله بازگشایی تنگه هرمز و موضوع هسته‌ای و غنی‌سازی در گام‌های بعدی شود.

عقب‌نشینی اسرائیل

تهدید ایران و تماس ترامپ با نتانیاهاو، باعث توقف حملات اسرائیل به لبنان شد

گفت: این اقدامات مذاکرات با ایران را به نابودی خواهد کشاند. به نوشته آکسیوس، ترامپ نسبت به طرح‌های اسرائیل برای گسترش عملیات نظامی و هدف قرار دادن بیروت ابراز خشم کرده و هشدار داد چنین اقداماتی لزوماً بین‌المللی اسرائیل را افزایش می‌دهد. اما واکنش در اسرائیل به‌نوع دیگری بود و اسرائیل کاتس، وزیر دفاع اسرائیل، پا را فراتر گذاشت و از شش‌گویی «معادله‌ای جدید» سخن گفت؛ معادله‌ای که براساس آن هرگونه حمله به شمال اسرائیل می‌تواند به حمله مستقیم به ضاحیه جنوبی بیروت منجر شود. او حتی مدعی شد که این رویکرد با اطلاع و حمایت واشنگتن به دولت لبنان و سایر طرف‌های ذی‌ربط منتقل شده است. همزمان ارتش اسرائیل نیز با متهم کردن حزب‌الله به نقض آتش‌بس، دستور تخلیه شهر نبطیه را صادر کرد؛ اقدامی که بسیاری از مقدمه عملیات نظامی جدید در جنوب لبنان ارزیابی می‌کنند. اما پرسش مهم اینجاست که چرا تل‌آویو در شرایطی که از یکسو آتش‌بس اعلام شده و از سوی دیگر تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش در جریان است بر تشدید فشار نظامی اصرار دارد؟ بخشی از پاسخ را باید در تحولات گسترده‌تر منطقه جست‌وجو کرد. طی هفته‌های اخیر نشانه‌هایی از پیشرفت در مسیر تفاهم میان تهران و واشنگتن مشاهده شده است؛ روندی که می‌تواند به کاهش تنش‌های منطقه‌ای و در نهایت تثبیت آتش‌بس در

گروه بین‌الملل: درحالی که تنها چند ساعت از اعلام آتش‌بس میان اسرائیل و حزب‌الله با میانی‌گری دونالد ترامپ گذشته بود، جنوب لبنان بار دیگر به صحنه تنش‌های نظامی تبدیل شد. آرامش نسبی که بر بیروت حاکم شده بود با هشدارهای جدید ارتش اسرائیل به ساکنان شهر نبطیه و ادامه حملات در جنوب لبنان به سرعت رنگ باخت؛ تحولاتی که نشان می‌دهد، فاصله میان آتش‌بس اعلامی و واقعیت میدانی همچنان عمیق است و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در حال آزمودن معادلات جدید قدرت هستند. دونالد ترامپ که خود را معمار توقف درگیری‌ها معرفی کرده از تماس تلفنی «بسیار سازنده» با بنیامین نتانیاهاو خبر داده و مدعی شده، نخست‌وزیر اسرائیل را از اجرای یک حمله گسترده به بیروت منصرف کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین اعلام کرد با نمایندگان رهبری حزب‌الله نیز تماس داشته و دو طرف پذیرفته‌اند از تبادل آتش خودداری کنند. اما تنها ساعاتی بعد سخنان مقام‌های اسرائیلی، تصویری متفاوت از واقعیت ارائه داد. نتانیاهاو تأکید کرد که مواضع تل‌آویو تغییری نکرده و اسرائیل همچنان حق پاسخگویی به هرگونه اقدام حزب‌الله را برای خود محفوظ می‌داند. این درحالی است که به گفته برخی از رسانه‌ها ازجمله آکسیوس از تماس پر تنش رهبران اسرائیل و آمریکا خبر دادند؛ تماسی که در آن رئیس‌جمهور آمریکا به نخست‌وزیر اسرائیل

تیتیر یک

توافق میلیارد دلاری



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

یکی از گرهای تفاهم ایران و آمریکا باز شد. قطر به ایران تعهد داده که ۱۲ میلیارد دلاری که از آمریکا مطالبه کرده است را به ایران بدهد. این حاصل سفری است که اخیراً محمدباقر قالیباف، سیدعباس عراقچی و عبدالناصر همتی به قطر داشتند و نهایتاً سران این کشور عربی پذیرفتند که این ۱۲ میلیارد دلار را خودشان به ایران بدهند و بعدتر با آمریکا تسویه کنند.

بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین گرهای عدم تفاهم باز شد. زیرا ترامپ از پرداخت پول به ایران به دلایل مختلف سر باز می‌زد و از آنجا که اوپاما را برای پرداخت پول به ایران سرزنش کرده بود نمی‌خواست خودش نیز مبلغی پرداخت کند. اما اکنون

به‌نظر می‌رسد که راه جدیدی باز شده است. این خبر را یکی از اعضای رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده و نزدیک به محمدباقر قالیباف گفته است. براساس این روایت، تهران به طرف آمریکایی اعلام کرده که همزمان با امضای تفاهم باید ۱۲ میلیارد دلار در دسترس ایران قرار گیرد؛ شرطی که از نگاه مذاکره‌کنندگان ایرانی تضمینی برای جلوگیری از تکرار تجربه‌های گذشته و مسدود شدن دوباره دارایی‌های ایران در صورت بروز تنش یا فروپاشی توافق است.

اما آنچه این ادعا را بیش از پیش قابل توجه می‌کند، نقش تازه‌ای است که برای قطر ترسیم شده است؛ کشوری که گفته می‌شود، پذیرفته این مبلغ را تأمین کرده و در مرحله بعد، خود با آمریکا تسویه حساب کند. اگر چنین سازوکاری واقعاً در دستورکار باشد، دوحه از یک میانجی سیاسی به یک ضامن مالی تمام‌عیار در یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های دیپلماتیک جهان تبدیل خواهد شد.

شاید اکنون بتوان به این فرضیه رسید که تفاهم ایران و آمریکا بیشتر از آن چیزی که تصور می‌کنیم در دسترس است ...

چهارم خردادماه بود که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس هیأت مذاکره‌کننده ایران به همراه سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه و عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی برای تعیین تکلیف دارایی‌های بلوکه شده کشور به قطر سفر کردند. در همین حال سعید آجرلو، عضو تیم رسانه‌ای هیأت مذاکره‌کننده در ویژه‌نامه «سپهر سیاست» خبرگزاری فارس، جزئیاتی از مذاکرات صورت‌گرفته در سفر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، به قطر در خصوص دارایی‌های بلوکه‌شده کشور ارائه کرد. آجرلو با اشاره به گفت‌وگوهای صورت‌گرفته با

مقامات قطری اظهار کرد: قطری‌ها در مورد عدد و رقم آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران حرف داشتند اما هیأت مذاکره‌کننده ایران تأکید داشت که به محض امضای توافق باید ۱۲ میلیارد دلار در دسترس ما قرار بگیرد. وی افزود: مذاکرات به نحوی پیش رفته است که اگر ایران حس کند، اختلالی در دسترسی به دارایی‌های بلوکه‌شده ایجاد شود، می‌توانیم از توافق خارج شویم. به بیان دیگر باید به نحوی از این ۱۲ میلیارد دلار استفاده کنیم که تضمین‌کننده اجرای توافق باشد.

عضو تیم رسانه‌ای هیأت مذاکره‌کننده تصریح کرد: در تفاهم با قطری‌ها آمده است که ما باید توانیم نقل و انتقالات مالی خود را انجام دهیم. ۶ میلیارد دلار از این مبلغ، پول بلوکه‌شده قبلی ایران است و ۶ میلیارد دلار دیگر، مبلغ جدیدی است که در این مرحله باید آزاد شود. قطر نیز به عنوان واسطه، تلاش می‌کند که به نحوی این مسئله را حل کند.

وی در پایان تأکید کرد: ما در ۱۴ بند مذاکراتی خود تأکید



داشته‌ایم که اگر هر کدام از این موارد اجرا نشود، می‌توانیم از توافق خارج شویم و آن را نقض توافق تلقی می‌کنیم. عضو تیم رسانه‌ای هیأت مذاکره‌کننده خبر داد: در حال حاضر به تفاهمی با قطری‌ها در مورد پول‌های بلوکه‌شده رسیده‌ایم که اجرای آن منوط به امضای توافق نهایی است. نکته مهم مذاکرات اخیر این بود که قطر تعهد داده طرف حساب تسویه این مبلغ باشد و بعداً خودشان این مبلغ را با آمریکایی‌ها تسویه حساب کنند. قرار نیست ما وارد مذاکرات شویم، تفاهمی را امضا کنیم و در صورت وقوع مجدد جنگ به دارایی‌هایمان نرسیم.

آمریکا در هفته‌های گذشته تلاش می‌کرد، آزادسازی این دارایی‌ها را به توافق نهایی احتمالی در موضوع هسته‌ای گره بزند اما ایران به صراحت تأکید کرده است که دست‌کم بخشی از آن در همان ابتدای اعلام تفاهم باید آزاد شود.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه نیز اخیراً در نشست خبری درخصوص برخی خبرها مبنی بر اینکه آمریکا قرار است به‌جای پرداخت پول نقد ۶ میلیارد دلار دارایی بلوکه‌شده ایران در قطر را در قالب خرید مواد غذایی و تجهیزات

ویترین

اعتراف یک خائن

سورژ شالاندن در بازگشت به کیلی بگز نشان می‌دهد یک مبارز چگونه می‌تواند به جاسوس تبدیل شود



آراکو محمودی

نویسنده و مترجم

در سال ۲۰۰۵ خبری جامعه‌جمهوری‌خواهان ایرلند را تکان داد: دنیس دونالدسون، یکی از چهره‌های باسابقه جنبش جمهوری خواه و از فعالان نزدیک به شین‌فین، اعتراف کرد بیش از ۲۰ سال برای دستگاه اطلاعاتی بریتانیا جاسوسی کرده است. این افشاکاری نه فقط یک رسوایی سیاسی، بلکه ضربه‌ای عاطفی و اخلاقی برای بسیاری از همراهان او بود؛ مردی که سال‌ها به‌عنوان مبارزی وفادار شناخته می‌شد، ناگهان به نماد خیانت تبدیل شد. سورژ شالاندن، نویسنده و روزنامه‌نگار فرانسوی، از دل همین ماجرا رمان «بازگشت به کیلی بگز» را نوشت؛ رمانی که می‌کوشد از پشت تیرهای خبری عبور کند و به درون ذهن و وجدان چنین انسانی راه پیدا کند. شالاندن سال‌ها به‌عنوان خبرنگار در مناطق بحرانی‌زده کار کرده و در جریان درگیری‌های ایرلند شمالی بارها به این منطقه سفر کرده است. تجربه روزنامه‌نگاری او باعث شده که فضای سیاسی و اجتماعی این منطقه را با دقتی مستندگونه بشناسد. با این حال «بازگشت به کیلی بگز» یک گزارش تاریخی نیست؛ این رمان بیش از هر چیز تلاشی است برای فهمیدن اینکه چگونه یک مبارز سیاسی می‌تواند به جاسوس دشمن تبدیل شود.

سقوط اخلاقی تدریجی



داستان در قالب اعترافات مردی روایت می‌شود که در آستانه پایان زندگی به شهر ساحلی کیلی بگز بازگشته است. او سال‌ها از فعالان برجسته جنبش جمهوری خواه ایرلند بوده، زندان کشیده و برای آرمان استقلال جنگیده است. اما اکنون می‌خواهد حقیقتی را بگوید که زندگی‌اش را زیر و رو کرده است: او سال‌ها برای سرویس اطلاعاتی بریتانیا خبرچینی کرده است. رمان از همان ابتدا خواننده را در موقعیتی

دشوار قرار می‌دهد. قهرمان داستان نه شخصیتی کاملاً شرور است و نه قربانی بی‌گناه. او انسانی است با گذشته‌ای پیچیده، کسی که در سال‌های طولانی مبارزه با خشونت، ترس، فشار و انتخاب‌های دشوار رویه‌برو بوده است. شالاندن به‌جای آن که خیانت را صرفاً به‌عنوان عملی منفور محکوم کند، تلاش می‌کند مسیر تدریجی این سقوط اخلاقی را نشان دهد؛ مسیری که در آن تهدید، ترس از زندان، احساس تهایی و حتی نوعی خستگی از خشونت بی‌پایان نقش دارند. یکی از نکته‌های مهم رمان زاویه دید آن است. شالاندن پیش‌تر در رمان «خان من» همین ماجرا را از نگاه یک دوست و ناظر بیرونی روایت کرده بود. اما در «بازگشت به کیلی بگز» او تصمیم می‌گیرد داستان را از درون ذهن خود خائن روایت کند. این جابه‌جایی زاویه دید باعث می‌شود خواننده با تجربه‌های متفاوت رویه‌رو شود: ما نه تنها شاهد اعمال شخصیت اصلی هستیم، بلکه وارد تریدها، ترس‌ها و توجیه‌های درونی او نیز می‌شویم. فضای جغرافیایی رمان نیز نقش مهمی در شکل‌گیری حال‌وهوای آن دارد. کیلی بگز، بندری کوچک در سواحل ایرلند، با دریاها، توفانی و آسمان‌های همیشه ابری‌اش، تصویری از تهایی و انزوا می‌سازد. بازگشت شخصیت اصلی به این شهر در واقع بازگشت به گذشته‌ای است که دیگر نمی‌تواند از آن فرار کند. در این چشم‌انداز سرد و خاموش، خاطرات سال‌های مبارزه و دوستی‌های قدیمی یکی‌یکی زنده می‌شوند و هر کدام

پرسشی تازه درباره وفاداری و خیانت پیش می‌کنند. شالاندن در این رمان از داوری‌های ساده پرهیز می‌کند. درگیری‌های ایرلند شمالی اغلب در روایت‌های سیاسی به شکل تقابل روشن میان قهرمانان و خائنان تصویر می‌شود. اما «بازگشت به کیلی بگز» نشان می‌دهد در دل خشونت سیاسی، مرزهای اخلاقی گاه به‌شدت مبهم می‌شوند. شخصیت اصلی نه می‌تواند کاملاً از گذشته خود دفاع کند و نه قادر است آن را به‌طور کامل انکار کند. او میان این دو وضعیت معق مانده است. نثر شالاندن کوتاه، موجز و تصویری است. تجربه طولانی او در روزنامه‌نگاری باعث شده که از جمله‌های فشرده و صحنه‌های دقیق استفاده کند. این ایجاز زبانی با فضای داوری رمان هماهنگ است؛ روایتی آرام و آندوهگین که بیشتر بر سکوت‌ها و تأمل‌ها تکیه دارد تا بر حاده‌های پرهیجان. از همین رو «بازگشت به کیلی بگز» را می‌توان رمانی درباره وجدان دانست؛ داستان مردی که در پایان راه ناچار است با گذشته خود رویه‌رو شود. این کتاب خواننده را دعوت می‌کند تا درباره معنای وفاداری، فشارهای قدرت و امکان قضاوت اخلاقی در زمانه‌های خشونت‌آمیز فکر کند. ترجمه فارسی این رمان با قلم زنده‌یاد مرتضی کلاتریان منتشر شده است؛ مترجمی که پیش‌تر نیز آثار مهمی از ادبیات فرانسه را به فارسی برگردانده بود. ترجمه او کوششیده لحن موجز و تأملی متن فرانسوی را در زبان فارسی بازآفرینی کند و فضای آندوهگین رمان را به خواننده منتقل سازد.

«بازگشت به کیلی بگز» در نهایت داستان انسانی است که میان آرمان، ترس و خیانت گرفتار شده است. شالاندن با نگاهی همدلانه اما بی‌توجیه نشان می‌دهد که تاریخ سیاسی تنها از قهرمانان و دشمنان ساخته نشده است؛ گاه مهم‌ترین روایت‌ها در زندگی کسانی شکل می‌گیرد که در منطقه خاکستری میان این دو ایستادند.

بازگشت به کیلی بگز

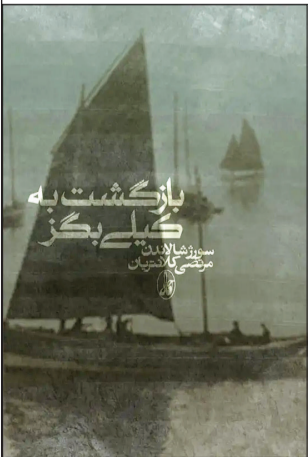
سورژ شالاندن

ترجمه مرتضی کلاتریان

نشر آگاه

۳۰۴ صفحه

۶۰۰۰۰۰ تومان



مترجمی که از اعدام گریخت

یادی از ابراهیم یونسی در صدمین زادروزش

ابراهیم یونسی که متولد ۱۲ خرداد ۱۳۰۵ در بانه کردستان بود و ۱۹ بهمن ۱۳۹۰ در ۸۵ سالگی در تهران درگذشت، تقریباً به اندازه سال‌های عمرش ترجمه و تألیف داشت؛ از ۸۳ عنوان کتاب تألیف و ترجمه‌اش این عنوان‌ها برجسته‌تر هستند: «آرزوهای بزرگ»، «خانه قانون‌زده» و «داستان دو شهر» از چارلز دیکنز، «آشیان عقاب» از کنستانتس هون، «توفان» از ویلیام شکسپیر، «اسپارناکوس» از هواردا فاست، «دن کیوت» سروانتس و «سه تفنگدار» الکساندر دوما برای نوجوانان، «جنبه‌های رمان» ای. ام. فورستر، «سیری در نقد ادب روس» و «دفتر یادداشت‌های روزانه یک نویسنده» فئودور داستایوسکی در حوزه ترجمه. هم‌چنین «گورستان غریبان»، «دلدادده‌ها»، «فردا»، «مادرم دو بار گریست»، «کج‌کلاه و کولی»، «داداش‌برین»، «شکفتن باغ»، «خوش آمدی» و «دعا برای آرمین» در حوزه داستان و رمان تألیفی. او کتاب‌هایی را هم در حوزه داستان‌نویسی منتشر کرده است.

پنج سال بی‌شناسنامه

ابراهیم یونسی در خاطراتش گفته است: «سال ۱۳۰۵ شمسی، در شهر بانه متولد شدم که بر نوار مرزی است. اما این تاریخ ظاهراً درست نیست! شناسنامه دیر به کردستان آمد؛ مثل همه‌چیز. سال ۱۳۱۰ یا ۱۳۱۱ بود که شناسنامه برای من گرفتند. یادم هست بر سر سن من بین پدرم و مادر بزرگم اختلاف بود. مادر بزرگ می‌گفت سنش را زیاد نوشتی و پدرم می‌گفت درست نوشته. مادر بزرگ از نظام اجباری می‌ترسید و می‌خواست تا می‌تواند جریان رفتن را به سرریازی به تعویق بیندازد؛ بنابراین سعی می‌کرد مرا کوچک‌تر جلوه دهد. خودم با توجه به وقایعی که به یاد دارم، خیال می‌کنم دو سه سالی بزرگ‌تر از این سنی باشم که در شناسنامه آمده است.» پدرش خان‌زاده بود و مادرش فرزند یک فرد معمولی با به‌اصطلاح رعیت. ابراهیم یونسی در ۲ سالگی

گزارش: سینمای ایران

مادر خود را از دست داد و نزد مادر بزرگ و پدر بزرگ خویش بزرگ شد. سال ۱۳۱۷ دبستان را به پایان برد و تصدیق کلاس ششم ابتدایی را گرفت و سیکل اول (سه سال اول) دبستان را در سفر خواند و سال ۱۳۲۰ بود که سیکل اول متوسطه را به پایان رسانید و سال ۱۳۲۴ دیپلمش را گرفت و وارد دانشکده افسری شد. سال ۱۳۲۷ با درجه ستوان دومی رسته سوار دو از دانشکده افسری فارغ‌التحصیل و مأمور خدمت در لشکر چهار رضائیه (ارومیه) شد. بعد از انتقال به رضائیه، همان‌جا ازدواج می‌کند و پجهدار می‌شود. یونسی در حادثه‌ای تیر می‌خورد... «رضائیه زیاد برف می‌بارید... پایم را بریدند...». از طرف ارتش برای ساختن پای مصنوعی راهی آلمان و فرانسه می‌شود. به تهران که برمی‌گردد، در ذخایر ارتش که اداره‌ای مربوط به تسلیحات و در خیابان سپه بوده، شروع به کار می‌کند.

عضو شبکه نظامی حزب توده

آن روزها نه می‌نوشت، نه ترجمه می‌کرد تا سال ۱۳۳۲ که وارد سازمانی سیاسی وابسته به حزب توده (شبکه نظامی حزب توده ایران) می‌شود. او از آن دوران چنین می‌گوید: «تا سال ۱۳۳۳ در ذخایر ارتش بودم. در این سال بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ سازمان نظامی وابسته به حزب توده ایران کشف شد و عده زیادی از افسران بازداشت شدند. من هم جزء بازداشت‌شدگان بودم... من جزء گروه دوم، در ۲۲ مهر ۱۳۳۳ محاکمه شدم. در دادگاه بدوی به اتفاق آرا هر ۱۲ نفر محکوم به اعدام شدیم. پیش از ما گروه اول هم همه محکوم به



اعدام شده بودند. در آخرین لحظات هنگام اجرای حکم - به من ابلاغ شد که به علت نقص عضو خدمتی از یک درجه تخفیف (با عفو ملوکانه) برخوردار شدم.» یونسی در زندان دیگر راهش را یافته است. «آرزوهای بزرگ» چارلز دیکنز را در زندان ترجمه می‌کند. خودش در این ارتباط می‌گوید: «همان ایامی که در زندان بودم از سیاوش کسریایی که برادرش جزو زندانی‌ها بود و او مرتب به ملاقاتش می‌رفت، درباره ترجمه آرزوهای بزرگ چارلز دیکنز پرسیدم.» سیاوش کسریایی، یونسی را تشویق به ترجمه این اثر می‌کند و یونسی چنین می‌کند. کتاب، زیر نظر سیروس پرهام منتشر می‌شود و سال ۱۳۳۶ در حالی که مترجم در زندان بود، دانشگاه تهران آن را بهترین ترجمه سال می‌شناسد. «آرزوهای بزرگ» به‌نوعی خود زندگی‌نامه چارلز دیکنز است و او در آن به بیان وضعیت اجتماعی و سیاسی دوران خود پرداخته است. «جادو شده» نوشته سولومون رابینوویچ نویسنده روسی یهودی، «خانه قانون‌زده» دیکنز و «اسپارناکوس» هواردا فاست از ترجمه‌های دیگر او در ایام زندان است. یونسی سال ۱۳۴۱ «هنر داستان‌نویسی» را به‌عنوان نخستین ترجمه

در عرصه داستان‌نویسی در زندان ترجمه کرد و در همان سال که از زندان آزاد شد، منتشرش کرد. ابراهیم یونسی مدتی پس از آزادی از زندان و هم‌زمان با محمد قاضی از نویسندگان و مترجمان بزرگ در یک شرکت دانمارکی استخدام شد و به‌واسطه دوستش، دکتر روح‌الله عباسی، در مدرسه عالی اقتصاد اسم‌نویسی کرد و از همان مدرسه لیسانس اقتصاد را اخذ و دکترای همین رشته را هم در سال ۱۳۵۶ از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرد.

از جمله نکات جالب توجه ابراهیم یونسی

گشت‌وگذار در نوشتاری

گفت‌وگو با جلیل سامان به بهانه فصل پنجم «زیرخاکی»



تغییر کرده است و حتی برخی مکان‌ها مثل کلاتری و مدرسه که از قدیم مانده بودند هم امروز دیگر وجود ندارند». موضوع قابل‌توجه این است که طی سال‌های اخیر، سازندگان آثار نمایشی به انبوه‌سازی آثار تاریخی در فضاهای دهه ۵۰ و ۶۰ روی آورده‌اند و این پیش از هر زمان دیگری مشکلات ناشی از نبود فضای برای صحنه‌پردازی تاریخی مناسب را نشان می‌دهد. او درباره اینکه آیا افزایش تولیدات تاریخی در بستر زمانی ۵۰ و ۶۰ هجری شمسی باعث نشده که مسئولان تصمیم به ساخت یک شهرک سینمایی مناسب چنین تاریخی بگیرند، گفت: «در زمانی که آقای میرباقری، معاون سیما بود قرار شد که شهرک سینمایی جدیدی ساخته شود که دهه شصت را نیز در خودش داشته باشد که البته هیچگاه این اتفاق نیفتاد و فراموش شد».

را بگیرد. این فیلم که تهیه‌کننده آن صداوسیماست، هرگز اکران نشد. او در این باره گفت: «نگاتیوهای این فیلم با وجود اینکه جایزه گرفت، گم شد و هیچ جایی به‌نمایش درنیامد». بسا این وجود، ارمغان تاریکی، اقتدر در ساخت قصه‌ای در فضای نوستالژیک دهه شصت، موفق بود که بتواند تبدیل به یک نقطه‌عطف در کارنامه حرفه‌ای این کارگردان ۵۶ساله شود. جلیل سامان که تقریباً تمام آثارش در فضای تاریخی دهه‌های پنجاه و شصت می‌گذرد، درباره علاقه‌مندی‌اش به فضای تاریخی معاصر به «سازندگی» گفت: «این موضوع برمی‌گردد به مسئله تاریخ. من معتقدم همه و به‌خصوص کسانی که می‌خوانند شرایط امروز ایران را درک کنند، باید تاریخ بخوانند». او در ادامه افزود: «واقعیت این است که اتفاقات و مسائل اجتماعی و حتی روزمره ما تکرار می‌شوند و به همین خاطر است که باید تاریخ را بدانیم تا بتوانیم یک چیزهایی را پیش‌بینی کنیم».

این کارگردان متولد سال ۱۳۴۸ است و کودکی‌اش در دهه ۵۰ و نوجوانی‌اش در دهه شصت سپری شده است. اما آیا این دلیل اصلی علاقه‌اش به کار در آن فضا است؟ خودش در این ارتباط گفت: «شاید این‌هم باشد اما من به شخصه به آن مقاطع تاریخی که درباره‌شان می‌نویسم و می‌سازم تقد دارم».

بحران لوکیشن

یکی از مشکلاتی که ساخت آثار تاریخی نمایشی در مسیر فیلم‌سازان وجود دارد، نبود یک شهرک سینمایی معاصر است. بسا توجه به تغییرات عمده‌ای که در فضای شهری به‌وجود آمده و با وجود رشد سریع تحولات اجتماعی و تکنولوژی، فیلم‌سازان برای نشان دادن فضای تاریخی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و اکنون ۶۰ دچار مشکل هستند. جلیل سامان نیز ضمن تأیید این موضوع، گفت: «شرایط و فضا خیلی فرق کرده است. جالب است اگر بگویم که یک‌سری لوکیشن‌هایی که در سریال ارمغان تاریکی داشتیم را سر کارهای بعدی پیدا نمی‌کردیم. این در حالی است که ارمغان تاریکی در سال ۱۳۸۹ ساخته شد اما از زمان تا امروز نیز خیلی شرایط

در روزهای اخیر، خبری در ارتباط با شروع تولید فصل پنجم سریال «زیرخاکی» منتشر شده است. این سریال که ساخته جلیل سامان است، اولین‌بار در سال ۱۳۹۹ از شبکه اول تلویزیون پیش شد و توانست مخاطبان زیادی هم بدست بیاورد. زیرخاکی که در ماه رمضان لقب پرمشاهرت‌ترین برنامه تلویزیونی را گرفت، چند مؤلفه مهم برای جذب تماشاگران در ابعاد زیاد داشت. سامان که پیش از این، نشان داده بود علاقه‌مندی جدی به فضای تاریخی ایران در دهه‌های پنجاه و شصت دارد، توانست به‌خوبی ستاره‌ای چون پژمان جمشیدی را در چنین قابی قرار بدهد. پژمان هم یکی از بهترین بازی‌هایش را در زیرخاکی انجام داد، به‌طوری که برخی معتقدند فریزر، نقشی بود که به‌اصطلاح به این بازیگر چسبید و بعد از آن در بازی‌های دیگر هم همراهش بود.

با این‌وجود، سریال بازیگران موفق دیگری چون ژاله صامتی و البته رایان سرلک که در آن زمان هفت سالش بود، را هم داشت. نکته جالب اینجاست که اگر زیرخاکی فصل پنج به مرحله تولید برسد، آن‌وقت این بازیگر که زمانی در نقش کودک بازی می‌کرد، سیزده، چهارده‌ساله خواهد بود و باید دید جلیل سامان به‌عنوان نویسنده و کارگردان، چه طرحی برای او در فصل جدید خواهد داشت. اما آیا فصل جدید زیرخاکی آن‌طور که رسانه‌ها اعلام کرده‌اند، در آستانه تولید است؟ اما کارگردان آن می‌گوید تا زمانی که همه‌چیز قطعی نشده، قصد ندارد درباره آن صحبت کند و این می‌تواند بدین‌معنا باشد که هنوز فصل جدید زیرخاکی در مسیر تولید قرار نگرفته است. هرچند براساس اخبار، صحبت‌های لازم با پژمان جمشیدی و ژاله صامتی، به‌عنوان نقش‌اول‌های این سریال انجام و موافقت آنها نیز گرفته شده است.

ارمغان و زیرخاکی

جلیل سامان در اواخر دهه ۸۰ و با سریال «ارمغان تاریکی» بین علاقه‌مندان به آثار نمایشی مطرح شد. او البته پیش از آن، دو سریال و یک فیلم سینمایی نیز ساخته و فیلم «وقت بودن» او در جشنواره فیلم فجر توانست سیمرغ زرین بهترین فیلمنامه اول



گزارش: موسیقی ایران

خاموشی شاعر گلپونه‌ها

هما میرافشار ترانه‌سرای سرشناس
موسیقی ایران درگذشت

روز گذشته هما میرافشار، ترانه‌سرا و شاعر سرشناس ایرانی در سن ۸۹ سالگی درگذشت. او یکی از پرکارترین ترانه‌سرایان موسیقی پاپ ایران طی نزدیک به ۶۰ ساله بود و با بخش مهمی از سرشناس‌ترین خوانندگان همکاری کرد. میرافشار مدتی بود که به بیماری آلزایمر دچار شده بود.

درباره هما میرافشار گفته می‌شود که بیش از ۶۰۰ ترانه سروده است اما در یکی‌پدیای او چیزی نزدیک به ۲۶۰ ترانه وجود دارد که برای خوانندگانی چون کوروس سرهنگ‌زاده، داریوش اقبالی، اکبر گلپایگانی، معین و... سروده است. با این وجود، سه مجموعه شعر منتشر شده از او با نزدیک به هزار قطعه شعر باعث شده که نام او در میان پرکارترین ترانه‌سرایان تاریخ موسیقی ایران دیده شود.

هرچند سروده‌های او از جنس ترانه‌های عمیقی که از دهه ۴۰ و ۵۰ و با ترانه‌سرایانی چون ایرج جنتی عطایی، شهیار قنبری و اردلان سرفراز نبود اما بخش مهمی از ترانه‌های شاد و خاطره‌انگیزی که در دهه‌های گذشته از راه‌های مختلف به‌دست علاقه‌مندان به این نوع موسیقی رسید، از کارهای هما میرافشار است. هرچند در میان آثاری که او سرود کارهایی چون «گلپونه‌های وحشی دشت امیدم» که ایرج بسطامی و اکبر گلپایگانی اجرا کردند نیز وجود دارد که در زمره پرطرفدارترین و محبوب‌ترین کارهای موسیقی کلاسیک ایرانی به حساب می‌آید.

با این حال او را در زمره اولین ترانه‌سرایانی باید قرار داد که توانستند، کلام و دنیای زنانه را وارد ترانه‌های موسیقی پاپ ایرانی بکنند. ترانه‌هایی که تا پیش از آن دنیای مردانه‌ای را روایت می‌کردند با حضور کسانی چون او حالا روایت زنانه‌ای به‌خصوص از قصه‌های عاشقانه را در خود داشتند.

او متولد اسفند سال ۱۳۱۵ در شهر تهران بود و ابتدا سعی داشت که موسیقیدان شود اما به مرور بعد از آموزش‌های موسیقی به سمت ادبیات رفت و در این رشته از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. او کارش را در اواخر دهه چهل آغاز کرد، اما در دهه ۵۰ بود که توانست در جامعه موسیقی ایرانی شناخته شود. شهرت او ابتدا به‌واسطه سروده‌هایش برای خواننده‌هایی چون حمیرا و اکبر گلپایگانی بود که باعث شد در برنامه پرطرفدار و پرمخاطب رادیو (گل‌ها) نامش شنیده شود. گل‌ها برنامه‌ای رادیویی بود که به مدت بیش از ۲۰ سال پخش مداوم از رادیو، منجر به شناخته شدن بسیاری از خواننده‌ها، نوازنده‌ها و ترانه‌سرایان شد. ترانه‌های میرافشار آقدر با فضای گل‌ها جور بود که وقتی الهه، ترانه «رفته» را اجرا کرد، بسیاری آن را به اشتباه به ترانه‌سرای نامدار معینی کرمانشاهی نسبت دادند.

ترانه‌های ویژه

هما میرافشار برای خوانندگان زیادی ترانه سروده است اما تعداد ترانه‌هایش برای ابی و داریوش با آنچه برای ستار، معین و حمیرا سروده قابل مقایسه نیست. این بیشتر سبک و سیاق کاری این ترانه‌سرا را نشان می‌دهد. او در دهه پنجاه با ترانه‌هایی مناسب برنامه گل‌ها و خوانندگانی چون اکبر گلپایگانی و حمیرا آغاز کرد، اما هرچه گذشت پرمخاطب‌ترین ترانه‌های او در آهنگ‌هایی به کار رفتند که تم شش و هشت داشته و فضایی شاد را می‌ساختند. مثلاً آهنگ «یکی به‌دادم برسه» ساخته حسن شماعی‌زاده که خودش آن را نیز خوانده است، یکی از پرکارترین آهنگ‌های مجالس شادی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بوده است. یا آهنگ‌هایی مثل «دنیا دنیا» از حمیرا، «لعبت» از شاهرخ، «حلقه طلا» و «صبحت بخیر عزیزم» از معین یا «دوستت دارم» داوود بهبودی که در زمره محبوب‌ترین آهنگ‌هایی هستند که از ترانه‌های هما میرافشار ساخته شده‌اند نیز آهنگ‌هایی با فضای نسبتاً شاد، شش و هشت و ریتمیک هستند. میرافشار در سال‌های گذشته مجموعه فعالیت‌های خود در زمینه شعر و ترانه را در چهار کتاب به نام‌های «گلپونه‌ها» و «آلاله‌ها» و «گلپونه‌ها ۲» و «۳۲۵۲ بیوگرافی» منتشر کرد. مجموعه‌هایی که بیش از هزار سروده او در آنها منتشر شدند. او اولین کتابش «گلپونه‌ها» را در سال ۱۳۵۲ منتشر کرد. او بعداً گلپونه‌ها ۲ را نیز در ادامه همین کتاب منتشر کرد. در سال ۱۳۸۰ او کتاب دیگری به نام «آلاله» را که این نیز مجموعه‌ای از سروده‌هایش بود، به چاپ رساند. میرافشار که یکی از پرکارترین ترانه‌سرایان ایران پیش از انقلاب بود، پس از مهاجرت نیز همین روند را ادامه داد و بخش مهمی از کارنامه پرکار او در این مقطع زمانی حدود ۴۵ سال رقم خورد. شاید هما میرافشار به‌خاطر ترانه‌های شاد و بعضاً سرخوش و آسانش، بیش از ترانه‌های عمیق‌ترش شناخته می‌شود اما همین آهنگ‌های شاد بخشی از حافظه جمعی و تاریخی ایرانی‌هایی هستند که طی دهه‌ها با موسیقی‌هایی که اشعار او را در خود داشتند، زندگی کرده‌اند. شاید محبوب‌ترین ترانه‌های میرافشار در میان بهترین و فاخرترین سروده‌ها برای موسیقی نباشد اما بسیاری از آنها در ذهن و خاطره علاقه‌مندان به موسیقی فارسی حک شده و به راحتی در میهنی‌ها و حتی کوچه و خیابان زمزمه می‌شوند.



رایک به یک ترجمه کرده است. ادبیات انگلیسی قرن هجدهم و نوزدهم چیزی نیست که هرکسی برای ترجمه به سراغ‌شان برود. نوعی نظم در کار ایشان بوده و می‌توان گفت که یونسی نقشه پیش‌بر فرهنگ این سرزمین را در سر داشته و از قلمی شیوا نیز برخوردار بوده است. «خشایار بهیچمی هم از چگونگی آشنایی و دوستی‌اش با ابراهیم یونسی این‌گونه حکایت کرد: «من نیز چون عبدالله کوثری با یک نسل پس از او با آثار کلاسیک اروپا به‌ویژه چارلز دیکنز توسط دکتر یونسی آشنا شدم و در همان سنین جوانی در پی آشنایی با او به خانه‌اش راه یافتم و به‌دنبال آن، دوستی ما پای گرفت و دیدارهای مان ادامه یافت و یونسی در این دیدارها از خاطرات خود یاد می‌کرد که هرچه بسیار از آن‌ها تلخ بود و یادآور مشکلات و رنج‌های فراوان اما یونسی همواره یادآوری آن‌ها را با طنزی خاص همراه می‌کرد که به همین خاطر لطفی خاص به این خاطرات و تجربه‌ها می‌داد. یونسی مظهر کار است و تلاش و مداومت و همان‌طور که عبدالله کوثری و آقای سیدحسینی اشاره کردند ترجمه‌های ایشان از نظمی خاص متابعت می‌کرد و صرفاً از سر تصادف نبود و همین یکی از نکات بارز ابراهیم یونسی است.»

زیرخاکي در واقع دارد کماکان فریب‌ز باز می‌کند». او همچنین درباره انتخاب رایان سرلرک برای بازی در نقش کودک سرریال گفت: «درخشش یک بازیگر ترکیبی است بین انتخاب و هدایت. انتخاب درستی اگر باشد می‌تواند هدایت خوبی هم انجام بدهد.»

جست‌وجو در تاریخ

«من زیاد تحقیق می‌کنم. در زمان نگارش فیلم‌نامه و تولید سرریال، پژوهش و تحقیق یک اصل مهم برای من است چراکه می‌خواهم به چیزی که واقعاً در آن بستر تاریخی بوده، برسیم. خودم از یک خانواده متوسط و ضعیف آمدم و سال‌ها با همان امکانات دهه شصتی زندگی می‌کردم. هنوز هم خیلی از خانواده‌ها در همان فضا زندگی می‌کنند. من برای سرریال ارمان تاریکی خیلی تحقیق کردم. با آدم‌های مختلف صحبت کردم و حرف زدم تا بفهمم مخاطب چه لحنی را دوست دارد. هرکسی فضای ذهنی خودش را دارد و با دوستانی که سلیقه نزدیک داشته باشند، زندگی می‌کند. اما برای ساختن شخصیتی فراتر از زندگی خود، باید پا را از دایره محدود ارتباطات بیرون گذاشت و تحقیق کرد. در زمان ساخت ارمان تاریکی، من با امکانات محدودی مثل یاهوسنجر با آدم‌های مختلف چت می‌کردم تا درک بهتری برای شناخت فضای ذهنی مخاطب پیدا کنم. با این حال معتقدم اگر ارمان تاریکی نقطه عطفی است به این دلیل است که نقطه شروع بود.»

برنامه آینده و فسیل

جلیل سامان در بخش بعدی حرف‌هایش درباره برنامه‌های مدنظرش گفت: «من مسیر کار خودم را می‌روم. چمران را نوشتم که به‌خاطر جنگ متوقف شده است. این مشکلات طبیعی است و امیدوارم حل شوند. اما اگر الان بخواهم بگویم که این حوادث آیا تأثیری روی کارهایم خواهد گذاشت، احتمالاً نه، چراکه مضامین و حرف‌هایی که همواره می‌خواستم بزنم از ابتدا مشخص بوده است. من همواره به ماجرای مناقضین پرداختم و الان می‌بینم که چقدر آنها اذیت می‌کنند و جامعه را آزار می‌دهند.»

او در قسمت پایانی مصاحبه‌اش درباره انبوه فیلم‌ها و سرریال‌هایی که در سال‌های اخیر در بستر تاریخی دهه ۶۰ و ۵۰ ساخته شده‌اند نیز گفت: «راستش بسیاری از این فیلم‌ها را ندیدم و نمی‌توانم نظری بدهم. البته می‌دانم ایده فیلم «فسیل» را از یکی از کارهای من برداشته‌اند و به‌نظم سازمان صداوسیما می‌تواند از سازندگان این فیلم شکایت کند. این فیلم ایده یکی از قسمت‌های زیرخاکي که پخش نشد را استفاده کرده است.»

بعدی از یونسی گفت: «کسانی از هم‌عصران من در سنین ۱۳ و ۱۴ سالگی با ترجمه «آرزوهای بزرگ» بود که چارلز دیکنز را شناختند، ادبیات غرب را شناختند و به‌ویژه ادبیات کلاسیک غرب را. آقای یونسی و دیگر هم‌نسلان‌شان زمانی که شروع کردند می‌دانستند که چه کارهایی باید انجام شود، یعنی انبوه عظیم آثار کلاسیک، خواه در فرانسه، خواه در روس ترجمه شد و ما آن‌ها را خواندیم. ویژگی دوم که هرچه دورتر می‌شویم کم‌رنگ‌تر می‌شود این نسل با زبان فارسی آشنایی عمیقی داشتند. زمانی که شروع کردن آزمون زبان را طی کرده بودند. این مسأله مهمی است. وقتی می‌گویم یونسی به من فارسی یاد داد تعارف نکرده‌ام. چون از ۱۴ و ۱۵ سالگی آثارش را خواندم.»

زنده‌یاد رضا سیدحسینی هم در این شب درباره جایگاه ویژه ابراهیم یونسی در بین مترجمان ادبی گفت: «آشنایی مردم با ادبیات جهان را به نوعی مترجمان سبب شده‌اند و معمولاً انتخاب متن برای ترجمه توسط مترجمان تصادفی بوده اما یونسی در این زمینه یک استثناست. او با فکر انتخاب و ترجمه کرده، کتابی مثل «جنبه‌های زمان» فرستر را در زمانی ترجمه کرده که در ادبیات ما نیاز به آن احساس می‌شده و سپس تاریخ ادبیات‌ها

در برگردان فارسی کتاب‌ها، اعتقادش به متن یک اثر بود که اگر با ایده و تفکر او همراهی نداشت آن را ترجمه نمی‌کرد، چنان‌که خود در این زمینه به خاطرهای اشاره می‌کند: «یادم می‌آید کتابی را به اسم «شرلی» که ۷۰۰ صفحه بود، از شارلوت برنته ترجمه کردم اما دیدم کتاب ضدکارگری شد و قرار بود علمی‌ها آنرا چاپ کنند، اما چون به مصالح ملی ضرر می‌رساند، آن را پاره کردم و چاپ نشد. معتقدم مترجم باید کتابی را ترجمه کند که برای جامعه مفید باشد و به درد جامعه بخورد.» او در ترجمه نوعی تعهد به نویسنده قائل می‌شود. در این ارتباط می‌گوید: «من معمولاً دستم را به خون نویسنده نمی‌آلایم و حتی الامکان سعی می‌کنم حقی از نویسنده ضایع نشود. مترجم باید به زبان خاص افراد توجه کند و آن را به نوعی در اثر وارد کند که خواننده زبان شخصیت را به‌خوبی درک کند، زیرا روایت یک پزشک با روایت یک هنرمند تفاوت دارد.»

یونسی در نگاه دیگران

عبدالله کوثری در شب «ابراهیم یونسی سخن که ۲۱ مرداد ۱۳۸۶ در خانه هنرمندان برگزار شد درباره تأثیرپذیری مترجمان نسل

زیرخاکي جدید و قدیمی

ساخت فصل پنجم زیرخاکي هنوز قطعی نیست اما چهار فصل قبلی این سرریال آتقدر در جذب مخاطب موفق بوده که بتواند سرمایه‌گذاران را برای ساخت فصل پنجم متقاعد کند، حتی اگر قرار باشد سناریوهای گران‌قیمتی چون پژمان جمشیدی را جلوی دوربین ببرند. زیرخاکي با توجه به فیلم‌نامه کم‌دی که در فضای نوستالژی دهه ۵۰ و ۶۰ می‌گذشت و بازی موفق بازیگرانش، توانست تبدیل به یکی از موفق‌ترین سرریال‌های سال‌های اخیر تلویزیون شود، آن‌هم در روزهایی که کم‌دی‌سازان مطرح و قدیمی‌تر تقریباً با صداوسیما در قطع ارتباط بوده‌اند. جلیل سامان درباره موفقیت زیرخاکي عمده آن به‌خاطر فضای طنزی باشد که دارد. وقتی زیرخاکي را می‌نویسم، می‌دانستم که در حال حاضر با زبان جدی نمی‌توان با مخاطب صحبت کرد و زبان طنز تأثیرگذاری بیشتری دارد.»

اما زیرخاکي تنها سرریال موفق سامان نیست. ارمان تاریکی هم که داستانی عاشقانه را در فضای ملتهب و سیاسی دهه ۶۰ روایت می‌کند، توانست توجه علاقه‌مندان را جلب کند. این سرریال اولین سرریالی نبود که در فضای دهه‌های ۶۰ و ۵۰ می‌گذشت اما یکی از اولین‌ها و موفق‌ترین‌ها در این گونه بود. فضا‌سازی موفق دهه ۶۰ فیلم‌نامه نسبتاً پیچیده و بازی‌های خوب از نکات مثبت



این سرریال بود: «این اتفاق‌ها برای سرریال پروانه و نفس هم افتاد و در زیرخاکي هم ادامه داشت. اما شاید آن چیزی که ارمان تاریکی را برجسته می‌کند، به‌خاطر اولین بودنش باشد. شاید این اولین سرریالی بود که به حوزه‌ای وارد می‌شد که خط قرمز تلویزیون به حساب می‌آمد. اما مدل پرداخت خاصی که به قصه در این بستر زمانی وجود داشت، این سرریال را متمایز می‌کرد. ضمن اینکه داستان سعی می‌کند روایت جانبدارانه‌ای به مخاطب ارائه ندهد و به‌نوعی به مخاطب احترام می‌گذارد. کارگردان ارمان تاریکی دلایل موفقیت سرریال‌ها را چنین مؤلفه‌هایی می‌داند.»

فیلم‌نامه‌های در آستانه تولید

کارگردان زیرخاکي در مدتی که از ساخت و انتشار فصل چهارم این سرریال می‌گذرد، درصدد ساخت دو سرریال بوده، اما جنگ تا حدودی برنامه‌های تولید این آثار را متوقف کرده است. سامان درباره کارهایش گفت: «دو تا فیلم‌نامه متفاوت نوشتم. یکی از آنها نامش «دلجان» است که سرریال خاصی است. من آن را برای حوزه هنری نوشتم اما تا الان حوزه نتوانسته شرایط تولید را فراهم کند.»

او افزود: «یک سرریال دیگر هم درباره شهید چمران است که فیلم‌نامه فصل یک و دو که مربوط به نوجوانی و جوانی ایشان است، قبل از جنگ آماده شد و قرار بود برای تلویزیون بسازم. متأسفانه صداوسیما در دوران جنگ خیلی آسیب دید و فعلاً آینده این پروژه مشخص نیست.»

پژمان و دیگران

یکی از نکات مثبت دو کار موفق جلیل سامان، برنامه‌های «ارمان تاریکی» و «زیرخاکي» انتخاب بازیگران و بازی گرفتن از آنها بوده است. در ارمان تاریکی آرش مجیدی و لیلیا زارخ و امیر آقایی فضای بحرانی دهه ۶۰ را ساختند و در زیرخاکي پژمان جمشیدی و ژاله صامتی نقش‌های اصلی را ایفا کردند. سامان درباره انتخاب بازیگرانش هم گفت: «یک بخش از موفقیت زیرخاکي به‌خاطر هوش و سلیقه تهیه‌کننده آن رضا نصیری‌نیاست، به‌خصوص در انتخاب بازیگران کمک مؤثری داشتند. من از دیگران هم برای انتخاب بازیگران کمک گرفتم و البته حساسیت‌های خاص خودم را هم دارم. بازیگرانی را انتخاب می‌کنم که شبیه به تصویر ذهنی باشند.» و در زیرخاکي یکی از بهترین بازی‌های پژمان جمشیدی نیز رقم خورد: «من این نقش را برای پژمان نوشتم. زمانی که تصمیم گرفتم زیرخاکي را بنویسم، پژمان و ژاله صامتی را در نظر داشتم. در زمان فیلم‌برداری اما یک چیزهایی متناسب با نوع بازی و شرایط تغییر کرد و در نهایت نتیجه راضی‌کننده بود. به‌نظم پژمان بعد از

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

فاز تعادل

سمت عرضه چگونه فعال شد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

فعالیت دیروز بورس تهران درحالی به پایان رسید که بازار سهام پس از چند روز رشد پرشتاب و ثبت صف‌های خرید گسترده، وارد مرحله‌ای متعادل‌تر شد. اگرچه همچنان بخش قابل توجهی از نمادهای بازار با تقاضای بالا مواجه بودند اما افزایش عرضه‌ها در بسیاری از سهم‌ها موجب شد بخشی از هیجان روزهای گذشته فروکش کند و معاملات با روندی روان‌تر و منطقی‌تر دنبال شود. این تغییر رفتار نشان داد که بازار در حال فاصله گرفتن از شرایط هیجانی و حرکت به سمت تعادل پیشتر میان عرضه و تقاضاست. در پایان معاملات دیروز، شاخص کل بورس با رشد ۴۴ هزار و ۴۱۲ واحدی معادل ۱۰۰۳ درصد به سطح ۴ میلیون و ۳۴۴ هزار و ۵۹۱ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با افزایش ۱۰ هزار و ۳۶۸ واحدی معادل ۰.۹ درصد در ارتفاع یک میلیون و ۱۶۰ هزار و ۹۰۵ واحد ایستاد. تداوم رشد هر دو شاخص نشان می‌دهد که جریان تقاضا همچنان در بخش بزرگی از بازار فعال است و رشد قیمت‌ها تنها محدود به نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز نبوده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات دیروز، افزایش محسوس عرضه‌ها در اکثر گروه‌های بورسی بود. طی روزهای گذشته بسیاری از نمادها بدون حضور فروشنده‌ها و در وضعیت صف خرید معامله می‌شدند اما دیروز بخشی از سهامداران با هدف شناسایی سود اقدام به عرضه سهام خود کردند. این موضوع باعث شد، تعداد بیشتری از نمادها از وضعیت قفل در صف خرید خارج شوند و امکان انجام معاملات در سطوح قیمتی مختلف فراهم شود. در نتیجه، بازار از فضای یک‌طرفه فاصله گرفت و به سمت کشف قیمت واقعی‌تر حرکت کرد. آمارهای معاملاتی نیز این تغییر شرایط را تأیید می‌کنند. در پایان معاملات ۵۳۸ نماد در محدوده مثبت و ۱۷۸ نماد در محدوده منفی قرار داشتند. همچنین ۳۸۰ نماد با صف خرید و ۱۴۰ نماد با صف فروش به کار خود پایان دادند. هرچند همچنان برتری با نمادهای مثبت و صف‌های خرید بود اما مقایسه این ارقام با روزهای ابتدایی هفته نشان می‌دهد که حجم عرضه‌ها افزایش یافته و بخشی از هیجان خرید کاهش پیدا کرده است. بررسی عملکرد صنایع مختلف نشان می‌دهد که گروه‌های منتفع از تورم همچنان مورد توجه فعالان بازار قرار دارند. نمادهای گروه‌های غذایی، دارویی، زراعت، سییمان و برخی صنایع وابسته به رشد قیمت‌ها با استقبال خریداران مواجه شدند و در بسیاری از آنها صف‌های خرید حفظ شد. این موضوع نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاران همچنان نسبت به چشم‌انداز سودآوری این صنایع در شرایط تورمی خوش‌بین هستند. در مقابل، گروه‌هایی که وابستگی کمتری به تحولات تورمی دارند یا انتظارات مثبت کمتری درباره آنها وجود دارد بیشتر در مسیر تعادل حرکت کردند و بخشی از تقاضای هیجانی روزهای گذشته را از دست دادند. گروه خودرویی نیز برای دومین روز متوالی در میان صنایع پرعرضه بازار قرار داشت. بسیاری از نمادهای این گروه با افزایش فشار فروش و کاهش تقاضای هیجانی روبه‌رو شدند و معاملات متعادل‌تری را نسبت به هفته گذشته تجربه کردند. این روند نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌گذاران پس از رشد اخیر قیمت‌ها ترجیح داده‌اند سود خود را ذخیره کنند و با احتیاط بیشتری به معاملات این صنعت نگاه کنند. از مهم‌ترین رویدادهای بازار در معاملات دیروز می‌توان به بازگشایی سهام شرکت پتروشیمی پردیس اشاره کرد. این شرکت که به‌طور غیرمستقیم از پیامدهای جنگ اخیر تأثیر پذیرفته بود، مدتی در وضعیت توقف قرار داشت و دیروز بار دیگر به تابلو معاملات بازگشت. سهام پردیس در آغاز معاملات با رشد حدود ۵ تا ۶ درصدی همراه شد و در دقایق ابتدایی حتی به صف خرید نیز رسید اما در ادامه با افزایش حجم عرضه‌ها، روند معاملات آن تغییر کرد و برای دقایقی صف فروش نیز در این نماد شکل گرفت. این نوسانات بیانگر اختلاف دیدگاه معامله‌گران درباره ارزش سهم همچنین حجم بالای دادوستدها در زمان بازگشایی بود. با وجود این نوسانات، پتروشیمی پردیس تأثیر قابل توجهی بر شاخص کل بورس داشت و پس از فملی، دومین نماد اثرگذار بازار محسوب شد. این نماد به تنهایی بیش از ۴ هزار و ۲۵۳ واحد اثر مثبت بر شاخص کل بر جای گذاشت و نقش مهمی در تداوم روند صعودی بازار ایفا کرد. در حوزه جریان نقدینگی نیز روند ورود سرمایه‌های حقیقی به بازار ادامه یافت. تا پایان معاملات بیش از ۴ هزار و ۱۴۵ میلیارد تومان پول حقیقی وارد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی شد. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با خروج هزار و ۷۱۶ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی مواجه شدند که نشان‌دهنده افزایش تمایل سرمایه‌گذاران به پذیرش ریسک و انتقال منابع از ابزارهای کم‌ریسک به بازار سهام است.

طرحی علیه دلالی

بررسی نگرانی‌های کارگران و بازنشستگان در پیش‌نویس نظام جدید تأمین اجتماعی

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

در روزهای اخیر، اخباری درباره تغییر در نظام تأمین اجتماعی منتشر شده که نگرانی‌هایی را برای کارگران و بازنشستگان عزیز ایجاد کرده است. سازندگی در گفت‌وگو با برخی از مدیران و مسئولان وزارت کار، تأمین اجتماعی و فعالان کارگری، مجموعه‌ای از سوالات را مطرح کرده است که در ادامه، پرسش‌ها و پاسخ‌ها را می‌آوریم:

اولین سوال این بود که آیا این طرح از اجرا می‌شود؟ یا قانون شده است؟ پاسخی که سازندگی دریافت کرد این بود: «خیر. آنچه منتشر شده فقط یک «پیشنویس مطالعاتی» یا به زبان ساده یک «ایده پیشنهادی» از سوی کارشناسان است. این متن هنوز نه در دولت تصویب شده و نه به مجلس رفته است. برای قانون شدن باید از مراحل متعددی عبور کند (دولت، کمیسیون‌های مجلس، صحن علنی و شورای نگهبان). پس هیچ جای نگرانی فوری وجود ندارد».

سوال دوم این است که چرا در نوشتن این پیش‌نویس از نمایندگان کارگران و بازنشستگان نظرخواهی نشد؟ در پاسخ گفته شد: «برای شروع هر کار بزرگی ابتدا باید یک «نقشه اولیه» توسط تیم‌های علمی طراحی می‌شود. اکنون این نقشه آماده شده و زمان نقد آن است. وزارت کار رسماً اعلام کرده که این فقط یک پیشنهاد است و گام اصلی ما، دعوت از نمایندگان کارگران و کانون‌های بازنشستگی به «میزهای گفت‌وگو» است. هیچ بخشی از این طرح بدون توافق با شرکای اجتماعی نهایی نخواهد شد».

سوال بعدی این بود که آیا دولت می‌خواهد، پول‌های سازمان را به خزانه ببرد و صاحب آن شود؟ جواب به این پرسش این بود که «هرگز. دارایی‌های تأمین اجتماعی حق‌الناس و متعلق به نسل‌های گذشته و آینده کارگران است. بحث «خزانه» که در پیش‌نویس آمده، یک بحث فنی برای شفاف شدن سهم دولت است تا دیگر مثل گذشته، دولت‌ها نتوانند از زیر بار پرداخت بدهی‌شان شانه خالی کنند. با این حال، به دلیل نگرانی شما، این بند در حال بازنگری است تا دیوار حفاظتی اموال کارگران محکم‌تر از قبل باقی بماند».

با این حال سوال چهارم این بود دولت که در پرداخت سهم ۳ درصدی خود مانده، چطور می‌خواهد سهم بیشتری (مثل ۱۶ درصد) را تضمین کند؟ پاسخی که دریافت شد این

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

امید و ناامیدی

چرا سال ۲۰۲۶ سال پیچیده‌ای برای اقتصاد است؟

مهتا معرفت

متنجم

سال ۲۰۲۶ می‌تواند یکی از متفاوت‌ترین و پیچیده‌ترین سال‌های قرن بیست‌ویکم باشد. جهانی که از یک‌سو با موجی از نگرانی‌ها، نااطمینانی‌ها و بحران‌های چندلایه روبه‌روست و از سوی دیگر، نشانه‌هایی از امید و اشتیاق برای ساختن آینده‌ای متفاوت را در خود جای داده است. شاید در نگاه نخست، جمع شدن ترس و امید در کنار یکدیگر متناقض به‌نظر برسد اما گزارش‌های جدید بانک جهانی، این وضعیت را با اصطلاح «بدبینی امیدوارانه» توصیف می‌کند. مفهومی که به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های روحیه نسل جدید در سال‌های پیش‌رو تبدیل خواهد شد. براساس این گزارش، مردم در شرایطی زندگی می‌کنند که با چالش‌های متعددی از جمله تورم‌های فزاینده، بحران‌های اقلیمی، بی‌ثباتی‌های اقتصادی و نگرانی‌های ناشی از گسترش هوش مصنوعی مواجه هستند. این عوامل تصویری مبهم و گاه هراس‌آور از آینده ترسیم می‌کنند و بسیاری

بود که «حرف شما کاملاً درست است. منطق این طرح این است که فشار را از روی دستمزد کارگر و کارفرما برداریم و به‌جای آن بار مالی را بر دوش «سوداگری و ثروت» بیندازیم. یعنی کسانی که با دلالی و ثروت‌های کلان سود می‌برند باید هزینه رفاه جامعه را بدهند. البته تا زمانی که وزارت اقتصاد پایداری این پول را تضمین نکند هیچ تغییری در روش فعلی ایجاد نخواهد شد».

مسئله بعدی این بود که آیا کاهش سهم کارفرما به ضرر کارگران تمام نمی‌شود؟ که در جواب گفته شد «هدف آن است که انگیزه برای فرار بیمه‌ای کاهش یابد تا حدود ۷ میلیون نفر از شاغلان فاقد پوشش بتوانند زیر چتر حمایت بیمه‌ای قرار گیرند. این هدف از دو مسیر دنبال می‌شود: از یک‌سو با کاهش



هزینه‌های بیمه‌ای، انگیزه بنگاه‌ها و کارفرمایان برای استخدام رسمی و بیمه کردن نیروی کار افزایش می‌یابد؛ و از سوی دیگر با کاهش هزینه بیمه‌پردازی، امکان ورود و ماندگاری فریلنسرها، خویش‌فرمایان و شاغلان آزاد در نظام بیمه‌ای تقویت می‌شود. در همه حال، اصل بر آن است که تسهیل بیمه‌پذیری بدون خدشه به حقوق و امنیت شغلی نیروی کار دنبال شود؛ و بدیهی است هر سیاستی که آثار تورمی یا فشاری ناموجه بر معیشت مردم داشته باشد مبنای اقدام نخواهد بود».

سوال ششم ما درباره شستا بود که تکلیف شرکت‌های سازمان (شستا) چه می‌شود؟ پاسخی که داده شد هم جالب بود. عنوان شد: «واقعیت این است که شستا با وجود بزرگی، سود کمی به جیب بازنشستگان می‌رساند. هدف ما این است

که مدیریت شستا را هرچه بیشتر از دست «لایبی‌های سیاسی» خارج کنیم و به دست متخصصان بدهیم تا سود واقعی این اموال، مستقیم سر سفره بازنشستگان بیاید، نه اینکه خرج هزینه‌های اداری و سیاسی شود».

نگرانی بعدی که بسیاری در شبکه‌های اجتماعی به آن پرداخته بودند و سوال ما بود، این بود که «آیا قرار است مراکز درمانی تأمین اجتماعی (درمان مستقیم) جمع شوند؟ جواب منفی دریافت کردیم و توضیح دادند که: «درمان خط قرمز ماست. مراکز ملکی و بیمارستان‌های تأمین اجتماعی سرمایه کارگران هستند. هدف هرگونه تغییر در بخش درمان، «دسترسی آسان‌تر و ارزان‌تر» بازنشستگان به خدمات است. ما به‌دنبال این هستیم که بازنشسته با عزت و احترام در بهترین بیمارستان‌ها، خدمات رایگان یا بسیار ارزان دریافت کند».

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائل در پیش‌نویس نظام جدید تأمین اجتماعی وضعیت بیمه بیکاری بود. موضوعی که توجهات بسیاری را به این موضوع جلب کرد. پرسیدیم تکلیف «بیمه بیکاری» در نظام جدید چه می‌شود؟ آیا قرار است این حمایت حذف شود؟ پاسخ این بود: «به هیچ‌وجه؛ حمایت از فردی که شغل خود را از دست داده، وظیفه حاکمیتی است. در نظام فعلی، متأسفانه فرآیند دریافت بیمه بیکاری بسیار پیچیده و گاهی ناامیدکننده است. در «پیش‌نویس جدید»، هدف ما دو چیز است. اول: سرعت در حمایت؛ یعنی به محض بیکار شدن ناخواسته، چتر حمایتی بدون بروکراسی‌های اداری طولانی برای فرد باز شود. دوم: اتصال به اشتغال مجدد؛ که هدف این است بیمه بیکاری فقط یک

«مستمری ساده» نباشد؛ بلکه دولت موظف شود همزمان با پرداخت حقوق بیکاری، فرد را برای آموزش مهارت‌های جدید و بازگشت سریع‌تر به بازار کار حمایت کند.

اما پرسش نهایی این بود که این طرح به نفع کیست؟ پاسخی که داده شد، این بود که: «این طرح به نفع سه گروه است. بیمه‌شده‌ها، کارفرمایان و صندوق‌ها. با کاهش هزینه بیمه، هم کارفرما انگیزه بیشتری برای استخدام رسمی و بیمه کردن نیرو پیدا می‌کند، هم فریلنسرها و خویش‌فرمایان راحت‌تر و با هزینه کمتر زیر پوشش بیمه می‌آیند. همزمان با هدایت هدفمند بخشی از درآمدهای مالیاتی به نظام رفاه و بیمه، منابع صندوق‌ها پایدارتر می‌شود و حقوق بازنشستگان امروز و نسل‌های آینده بهتر تضمین می‌گردد».

مسیر تحولات را تغییر دهند و در شکل دادن به آینده، نقش مستقیم داشته باشند. این رویکرد از مراقبت هدفمند از سلامت روان و توسعه فردی آغاز می‌شود و تا مشارکت در پروژه‌های بزرگ اجتماعی، فناوری و محیط‌زیستی ادامه پیدا می‌کند. گزارش بانک جهانی تأکید می‌کند که امید در سال ۲۰۲۶ دیگر یک احساس منفعل یا خوش‌بینی ساده نیست بلکه نوعی کنش رادیکال و انتخابی آگاهانه به‌شمار می‌رود. در جهانی که اخبار منفی و بحران‌های پی‌درپی بخش مهمی از زندگی روزمره را تشکیل می‌دهند، امیدوار ماندن خود به اقدامی شجاعانه تبدیل شده است. این امید، نیروی محرکه‌ای است که افراد را به سرمایه‌گذاری روی ایده‌های جدید، پذیرش تغییر و ساختن آینده‌ای متفاوت ترغیب می‌کند. پیام اصلی این گزارش آن است که نسل جدید قصد ندارد، قربانی بحران‌های زمانه باشد. این نسل می‌کوشد، نقش معمار آینده را برعهده بگیرد؛ نسلی که به جای تسلیم شدن در برابر توان‌های اقتصادی، اجتماعی و فناورانه از دل همین چالش‌ها فرصت خلق می‌کند و سازهایی مستحکم‌تر برای آینده می‌سازد. در چنین نگاهی، بحران نه پایان مسیر بلکه نقطه آغاز بازآفرینی جهانی تازه است.



اعتراض کنکوری‌ها

دانش‌آموزان پایه یازدهم و دوازدهم به سد ۶۰ درصدی شورای عالی انقلاب فرهنگی اعتراض کردند

گروه اجتماعی: صبح دیروز پیاده‌روهای مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش و در ادامه خیابان‌های منتهی به شورای عالی انقلاب فرهنگی، میزبان تجمعی ملتهب و پر از استرس از سوی تعدادی از دانش‌آموزان بود. داوطلبان کنکور و دانش‌آموزان پایه‌های یازدهم و دوازدهم در اعتراض به مصوبه‌ای تجمع کردند که سرنویشت و آینده تحصیلی آنها را تحت‌تأثیر قرار داده است: «تأثیر قطعی ۶۰ درصدی معدل در کنکور». این اعتراضات در حالی شکل می‌گیرد که با وجود تظاهرات ماه‌های اخیر، فضای ناشی از سیاست‌های فعلی و بلا تکلیفی در زمان دقیق برگزاری آزمون‌ها عملاً امکان برنامه‌ریزی و آمادگی عادلانه را از آنها سلب کرده است. اما در پس این دیوارهای شیشه‌ای مسئولیت با یک پاسکاری فرساینده میان وزارتخانه و شورا روبه‌رو هستیم؛ آموزش و پرورش خود را صرفاً یک مجری بی‌اختیار می‌داند و شورای عالی انقلاب فرهنگی بر طبل صلب و بی‌تغییر بودن این مصوبه می‌کوبد.

جنگ، قطعی اینترنت و کلاس‌های مجازی

بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که از سال ۱۴۰۱ اجرائی شد، سهم سوابق تحصیلی امسال (سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵) برای پایه‌های یازدهم و دوازدهم به ۶۰ درصد با تأثیر قطعی رسیده است. این یعنی امتحانات نهایی، وزنی سنگین‌تر از خود غول کنکور پیدا کرده‌اند. اما منتقدان و دانش‌آموزان معترض می‌پرسند: در کدام بستر آموزشی؟ با آغاز جنگ و بحران‌های امنیتی از دی ماه سال گذشته

مدارس کشور عموماً تعطیل و کلاس‌ها به فضای مجازی منتقل شدند؛ آن هم در بستری که با قطعی‌های مداوم اینترنت و افت شدید کیفیت آموزشی همراه بود. دانش‌آموزان معترض استدلال می‌کنند که آموزش آنلاین و بی‌کیفیت در شرایط بحرانی با برگزاری ۱۶ امتحان نهایی حضوری و فشرده که بدون فرجه مناسب طراحی شده، مغایرت آشکار دارد و مصداق بارز شکنجه روانی خانواده‌هاست. داوطلبان امسال خواستار آن هستند که دست‌کم برای کنکور ۱۴۰۵ تأثیر سوابق تحصیلی پایه یازدهم به‌صورت «مثبت» محاسبه شود تا نمراتی که زیر سایه موشک‌باران و استرس جنگ افت کرده‌اند، آینده آنها را تحت‌تأثیر قرار ندهد.

خطای انسانی مصححان عصبانی

بسیاری از متخصصان و کارشناسان آموزشی معتقدند فرآیند فعلی نه‌تنها علمی نیست بلکه ساختار فنی تراژیکری را به یک قمار بزرگ تبدیل کرده است. دکتر حسین‌نژاد، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، با تحلیل فنی این ساختار معتقد است، کنکور یک آزمون «هنجارمحور» (مسابقه‌ای برای رتبه‌های برتر) است در حالی که امتحانات نهایی، آزمونی «معیارمحور» (برای احراز حداقل‌های دیپلم) هستند. ترکیب این دو عملاً از نظر فنی نادرست است. از سوی دیگر با ورود هزاران مصحح برای بررسی صدها هزار برگه امتحانی، پایایی نتایج به‌شدت افت می‌کند. در شرایطی که رقابت بر سر صندلی‌های دانشگاهی روی صدم‌های نمره (بین ۱۹ تا ۲۰) قرار دارد، یک اشتباه نیم‌نمره‌ای



از سوی مصححی که در شرایط سخت کاری و با دستمزد پایین شبانه‌برگه‌ها را تصحیح می‌کند، می‌تواند تراز دانش‌آموز را تا ۳۵۰ واحد جابه‌جا کرده و رتبه او را ۸۰۰ پله عقب بیندازد. فرآیند مترزای سال‌های مختلف نیز به‌قدری مبهم است که حتی با گرفتن معدل ۲۰ در سال جدید، ممکن است تراز کمتری نسبت به سال قبل به‌دست آید؛ فرآیندی که بیشتر به شانس شبیه است تا سنجش علمی.

سهم بالای پایتخت‌نشینان از صندلی‌های برتر

اگرچه شورای عالی انقلاب فرهنگی با شعار «عدالت آموزشی» و بازگرداندن دانش‌آموزان به کتاب‌های درسی این مصوبه را تصویب کرد اما آمارهای رسمی سازمان سنجش در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ خلاف این مدعا را ثابت می‌کند. احسان عظیمی‌راد، سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس، با استناد به گزارش‌های رسمی اعلام کرده که این مصوبه ضد عدالت آموزشی بوده و سهم مناطق محروم مانند سیستان و بلوچستان، هرمزگان و ایلام را از رتبه‌های برتر کنکور به‌شدت کاهش داده و در مقابل، سهم مناطق برخوردار چون تهران و البرز را بالا برده است. عظیمی‌راد افشا می‌کند که حتی وزیر آموزش و پرورش نیز در جلسات کمیسیون مخالفت خود را اعلام کرده و پیشنهاد

حذف تأثیر قطعی یا مثبت شدن پایه یازدهم را به شورا فرستاده اما دبیرخانه شورا با انکار این نامه‌ها از شنیدن استدلال‌های مجلس و کارشناسان سر باز می‌زند. با این حال با ابعاد جدید اعتراضات و ورود مجدد کمیسیون آموزش مجلس به این پرونده احتمالاً هفته آینده وزیر آموزش و پرورش برای پاسخگویی به بهارستان فراخوانده خواهد شد.

جدال در فضای مجازی

بخش عمده‌ای از کاربران، نوک پیکان حملات خود را به سمت عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی گرفته‌اند. کاربری نوشت: «عامل اصلی این عصبانیت‌ها شخص خسروپناه است؛ تا وقتی چنین مسئولیتی داریم، نیاز به دشمن خارجی نیست». شخص دیگری با اشاره به وضعیت بحرانی ماه‌های گذشته، کامنت گذاشت: «دانش‌آموزی که سه ماه زیر آتش بوده و معلمانش تدریس نکردند و نگران جانش بوده، چطور باید در خانه با آرامش درس می‌خواند؟ این مصوبه مصداق بارز ظلم است». شعارهایی نظیر «عدالت تحصیلی، شعار انقلاب است؛ معدل یازدهم، فشار بی‌جواب است!» نیز دست‌به‌دست می‌شد. برخی نیز به سانسور رسانه‌ها معترض بودند: «چرا چهره بچه‌ها را مات کردید؟ مگر این بچه‌ها جنایت کرده‌اند؟ فقط حق‌شان را می‌خواهند».

سوی دیگر، اقلیتی از کاربران مقتدرانه از مصوبه دفاع کرده و معترضان را تبیل خطاب کردند. کاربری با لحنی تند نوشت: «عامل اصلی، تبیلی و پرتوئی داوطلبانی است که درس نخوانده‌اند. این اجحاف در حق کسانی است که در هر شرایطی درس خواندند و حالا باید تاوان تعدادی موجود بی‌مسئولیت را بدهند». این اظهارات با پاسخ‌های تند کاربران مواجه شد که تأکید داشتند «تأثیر مثبت به‌نفع همه است و استرس ناشی از شرایط جنگی را کم می‌کند، خودخواه نباشید». برخی دیگر از کاربران قدیمی‌تر نیز با مقایسه دوران خود نوشتند: «ما دهه ۶۰ روی سنگ درس خواندیم و دانشگاه رفتیم، اینها که لای بر قو هستند، چطور بهانه‌گیری می‌کنند؟» پاسخی که فوراً با واکنش یک دانش‌آموز روبه‌رو شد: «آن زمان رقابت بر سر صدم‌های نمره در امتحانات نهایی با تصحیح‌های سلیقه‌ای مصححان خسته نبود!»

سلامت

اخراج پزشکان ایرانی از دبی

سخنگوی هلال احمر به سازندگی: صلیب سرخ تضمین داده که مشکلات بیمارستان حل‌وفصل شود

فائزه مومنی

گروه اجتماعی

در پی توفان نظامی و سیاسی که از نهم اسفندماه سال گذشته با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران، منطقه را دربر گرفت، ترکش‌های این بحران فراتر از میدان‌های نظامی، دامن پیرترین و حیاتی‌ترین نهاد درمانی ایران در امارات را گرفته است. بیمارستان ایرانیان دوی به سابقه‌ای نیم‌قرنی در ارائه خدمات بشردوستانه و درمان گروه‌های آسیب‌پذیر، اکنون به‌جای آنکه طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی، پناهگاهی امن برای بیماران باشد به یک گروگان سیاسی در دستان مقامات اماراتی تبدیل شده است. روابط دو کشور که پس از شلیک هزاران موشک و پهپاد به عمق خاک امارات و متعاقب آن، فراخوانده شدن سفیر ابوظهبی و تعطیلی سفارت این کشور در تهران به تیرگی مطلق رسیده بود حالا وارد فاز خطرناکی از نقض آشکار حقوق بشردوستانه شده است. براساس آخرین گزارش‌ها، امارات نه‌تنها فعالیت این مرکز ۵۰ ساله بلکه سایر نهادهای آموزشی و مدارس ایرانی را نیز به حالت تعطیل درآورده است.

از ضرب‌الاجل صوری تا ترخیص اجباری

ماجرا از یک اولتیماتوم آغاز شد؛ مقامات اماراتی ابتدا مهلتی یک ماهه (و در برخی مکاتبات دو ماهه) را برای تخلیه و توقف فعالیت بیمارستان هلال‌احمر اعلام کردند. اما برخلاف تمام هنجارهای اداری و دیپلماتیک، کل پروژه مسدودسازی و تخلیه در مدتی کمتر از دو هفته و با شتابی تهاجمی به پایان رسید. مجتبی خالیدی، سخنگوی جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران، در تشریح این وضعیت می‌گوید که در این مدت کوتاه، اقداماتی اتخاذ شد که مستقیماً جان و سلامت انسان‌ها را هدف قرار داد. نخستین ضربه، «ترخیص اجباری» بیمارانی بود که در میانه فرآیند درمان قرار داشتند و ناگهان ناگزیر به ترک تخت‌های خود

شدند. هم‌زمان پذیرش هرگونه بیمار جدید ممنوع اعلام شد و فرآیند انتقال بیماران بدحال به سایر مراکز درمانی به دلیل ریسک‌های بالای جابه‌جایی در محدودترین و خطرناک‌ترین حالت ممکن انجام گرفت. امارات به این نیز بسنده نکرد؛ با لغو فوری ویزای کار کارکنان و پزشکان ایرانی، بدنه نیروی انسانی بیمارستان متلاشی شد و پرسنل با ضرب‌الاجلی توهین‌آمیز از محل‌های اسکان خود اخراج شدند. در تیر آخر با قطع کامل دسترسی به سامانه‌ها و بانک اطلاعاتی بیمارستان عملاً امکان پیگیری پرونده‌های پزشکی کات شد تا این مرکز درمانی به یک کالبد بی‌جان تبدیل شود.

داری‌های بلوکه‌شده و بازجویی‌های سرپایی

ابعاد این بحران زمانی تاریک‌تر می‌شود که به وضعیت مالی و حقوقی این نهاد غیرانتفاعی نگاه کنیم. با وجود اینکه بیمارستان هلال‌احمر اساساً هیچ‌گونه منفعت تجاری



و انتفاعی از فعالیت‌های خود ندارد. تمام اموال، تجهیزات پزشکی و داری‌های آن توسط دولت امارات مسدود و بلوکه شده و در وضعیتی کاملاً نامشخص قرار گرفته است. سخنگوی هلال‌احمر این رفتار را یکی از موارد بی‌سابقه و غیرمعمول در سطح جهان ارزیابی می‌کند؛ چراکه حتی در بدترین بحران‌های بین‌المللی، مراکز درمانی به‌خصوص

نهادهای غیرانتفاعی از مصونیت برخوردار هستند. فشارها اما از مرز ساختار اداری فراتر رفته و به حوزه امنیتی کشیده شده است. براساس گزارش رسمی هلال‌احمر، رئیس بیمارستان ایرانیان دویی مکرراً از سوی نهادهای امنیتی امارات احضار شده و تحت بازجویی‌های پیوسته و فرساینده قرار دارد؛ بازجویی‌هایی که محوریت آنها بازخواست درباره نحوه فعالیت روزمره و خدمات‌رسانی به بیماران است. هلال‌احمر ایران با مستندسازی روزانه این وقایع، گزارش‌های متعددی به صلیب سرخ جهانی ارسال و پیگیری‌های کيفری بین‌المللی را آغاز کرده است تا مقامات ابوظهبی را نسبت به این نقض آشکار حقوق بین‌الملل پاسخگو کند.

رایزنی‌های فشرده کولیوند و تضمین بزرگ صلیب سرخ

در گرودار این بن‌بست دیپلماتیک، مجتبی خالیدی، سخنگوی جمعیت هلال‌احمر در یک گفت‌وگوی اختصاصی با «سازندگی» از تحرکات دیپلماتیک برای حل مشکل خبر داد. او اعلام کرد که پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال‌احمر ایران، طی روزهای گذشته رایزنی‌های فشرده و مستقیمی با مقامات ارشد صلیب‌سرخ جهانی انجام داده است. به گفته سخنگوی هلال‌احمر، کولیوند در این گفت‌وگوها با تکیه بر اسناد نقض حقوق بشردوستانه در دوی، توانسته است تضمین قطعی و محکم را از دبیرکل صلیب‌سرخ جهانی دریافت کند که این نهاد بین‌المللی به‌طور مستقیم به پرونده ورود کرده و مشکل بیمارستان هلال‌احمر در دویی را حل‌وفصل کند. اقدامات امارات عربی متحده در مصادره اموال هلال‌احمر و اخراج پزشکان یک بدعت خطرناک در خاورمیانه

است که می‌تواند امنیت کل ساختارهای درمانی مشترک در منطقه را تهدید کند. اکنون با تضمینی که کولیوند از صلیب‌سرخ جهانی دریافت کرده توپ در زمین مراجع کيفری بین‌المللی و دیپلماسی بشردوستانه است. تهران مصمم است تا احیای کامل بیمارستان و بازگرداندن خدمات به بیماران آسیب‌پذیر، این پرونده را در بالاترین سطح قضایی جهان پیگیری کند.

ایران

جزئیات مراسم

تشییع رهبر شهید انقلاب

تاریخ احتمالی اعلام شد

معاون شهرداری تهران، جزئیاتی تازه از تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی ارائه کرد و گفت: مراسم بدرقه این رهبر بزرگ سه روز طول خواهد کشید و تشییع در تهران حداقل ۲۴ ساعت به طول می‌انجامد.

توکلی‌زاده با اشاره به محل خاک‌سپاری تصریح کرد که بنا بر وصیت رهبر شهید و توصیه نزدیکان ایشان، پیکر در مرقد مطهر امام رضا علیه‌السلام آرام خواهد گرفت. وی افزود: مشهد با توجه به موقعیت جغرافیایی و اهمیت منطقه شرق کشور به احتمال زیاد بیشترین جمعیت حضور خارجی را به خود خواهد دید. در این مراسم، پذیرایی از مهمانان خارجی از جمله شهروندان پاکستانی، افغانستانی، هندی، بنگلادشی و مردم کشمیر برنامه‌ریزی شده است.

معاون شهرداری تهران درباره احتمال برگزاری تشییع در عراق نیز گفت که این موضوع در دست بررسی است و هنوز قطعی نشده است. وی تأکید کرد که تشییع پیکر رهبر شهید در سه شهر تهران، قم و مشهد قطعی است و زیرساخت‌های لازم برای مدیریت جمعیتی بیش از ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر در پایتخت در حال آماده‌سازی است.

توکلی‌زاده در پایان درباره زمان احتمالی برگزاری مراسم اظهار کرد: با توجه به برنامه‌ریزی‌ها، مراسم تشییع احتمالاً در پایان ماه ذی‌الحجه و اوایل محرم برگزار خواهد شد. وی همچنین از هماهنگی با دستگاه‌های مختلف برای مدیریت حضور میلیونی مردم در تهران و سایر شهرها خبر داد و تأکید کرد که امنیت و تسهیل تردد شهروندان از اولویت‌های اصلی سازمان‌دهندگان مراسم خواهد بود.

با توجه به اهمیت تاریخی و معنوی این تشییع، مقامات شهری و نیروهای امدادی در حال برنامه‌ریزی گسترده برای مدیریت حضور جمعیت هستند تا مراسمی باشکوه و منظم برگزار شود. پیش‌بینی می‌شود حضور میلیونی مردم در این رویداد ملی، صحنه‌های بی‌سابقه‌ای از وحدت و همبستگی را در پایتخت و سایر شهرهای کشور رقم بزند.

